

گزارش درباره بررسی جنبش دهقانی حونان

(مارس 1927)

اهمیت مسئله دهقانی

من طی سفرم اخیرم در حونان (1) درباره وضع پنج شهرستان سیان تن ، سیان سیان ، حن شان ، لی لین و چان شا تحقیقاتی در محل بعمل آوردم . مدت سی و دو روز ، یعنی از 4 ژانویه تا 5 فوریه ، در دهات و مراکز شهرستانها دهقانان با تجربه و رفقانی را که در جنبش دهقانی فعالیت دارند ، برای تحقیق به جلساتی دعوت کردم و با دقت به گزارشهای آنها گوش دادم و مدارک زیادی گرد آوردم . بسیاری از چون و چراهای جنبش دهقانی درست عکس آن چیزی بود که در حان کو و چان شا از متنفذین شنیده بودم . در آنجا چیزهای شگفت انگیز فراوانی بود که من در گذشته نه دیده و نه شنیده بودم . من فکر می‌کنم که در بسیاری از نقاط دیگر هم می‌توان چنین وضعی را مشاهده کرد . باید به هر سخنی که علیه جنبش دهقانی گفته می‌شود ، هر چه سریعتر خاتمه داد . باید کلیه اقدامات اشتباه آمیز مقامات انقلابی را نسبت به این جنبش هر چه زودتر اصلاح نمود . فقط از این راه است که می‌توان به تکامل آتی انقلاب کمک رسانید . زیرا که اعتلای کنونی جنبش دهقانی رویداد شگرفی است . در اندک زمانی صدها میلیون دهقان در استانهای مرکزی ، جنوبی و شمالی چین چون توفانی سهمگین ، چون گردبادی تند ، با نیروئی بس قدرتمند و سرکش به‌پا خواهند خاست و هیچ قدرتی را ، هر قدر هم که عظیم باشد ، یارای بازداشتن آنها نخواهد بود . آنها تمام زنجیرهایی را که دست و پایشان را بسته است ، خواهند گسست و در شاهراه آزادی به پیش خواهند شتافت . آنها تمام امپریالیستها ، دیکتاتورهای نظامی ، مامورین فاسد و مختلس ، مستبدین محلی و متنفذین شریک را به گور خواهند سپرد . دهقانان تمام احزاب انقلابی ، تمام رفقای انقلابی را در بوته آزمایش قرار خواهند داد تا آنها را یا قبول کنند و یا طرد نمایند . آیا باید در پیشاپیش دهقانان حرکت کرد و آنها را رهبری نمود یا اینکه در عقب آنها ماند و با سر و دست انتقادشان کرد و یا در برابر آنان ایستاد و با آنها مخالفت نمود ؟ هر چینی آزاد است که یکی از این سه شق را برگزیند ، ولی سیر رویدادها شما را مجبور خواهد کرد که هر چه زودتر انتخاب کنید .

متشکل شوید !

سیر رشد جنبش دهقانی حونان را با در نظر داشت شهرستانهای مرکزی و جنوبی این استان که جنبش در آن بسط یافته است ، می‌توان به‌طور کلی به‌دو دوره تقسیم کرد . دوره اول که از ژانویه تا سپتامبر سال گذشته ادامه داشت ، دوره متشکل شدن بود . این دوره ، از ژانویه تا ژوئن به مرحله فعالیت مخفی و از ژوئیه تا سپتامبر که ارتش انقلابی جاوه هنتی (2) را بیرون راندند به مرحله فعالیت علنی تقسیم می‌شود . در این دوره اتحادیه های دهقانی فقط سیصد تا چهارصد هزار عضو داشتند و توده های زیر رهبری مستقیم آنها به زحمت از یک میلیون نفر تجاوز می‌کردند ؛ در روستا هنوز عملاً مبارزه ای وجود نداشت و به همین جهت اتحادیه های دهقانی چندان مورد انتقاد محافل مختلف قرار نمی گرفتند . بعضی از افسران ارتش لشگرکشی به شمال نیز گاهی چند کلمه ای در تمجید از این اتحادیه ها بر زبان می‌راندند زیرا که اعضای اتحادیه های دهقانی به عنوان بلد ، خبرگیر و باربر به این ارتش کمک می‌کردند . دوره دوم که از اکتبر سال گذشته تا ژانویه امسال طول کشید ، دوره عمل انقلابی بود . در این دوره تعداد اعضای اتحادیه های دهقانی به‌سرعت به دو میلیون نفر رسید و توده های زیر رهبری مستقیم آنها تا ده میلیون نفر افزایش یافتند . از آنجا که دهقانان هنگام ورود به اتحادیه های دهقانی در اغلب موارد به‌جای تمام افراد خانواده خود فقط نام یک نفر را ثبت می‌کنند ، دو میلیون عضو توده ای تقریباً برابر ده میلیون نفر را در بر می‌گیرد . اکنون تقریباً نیمی از دهقانان حونان متشکل شده اند . در شهرستانهایی مانند سیان تن ، سیان سیان ، لیو یان ، چان شا ، لی لین ، نین سیان ، پین جیان ، سیان بین ، حن شان ، حن یان ، لی یان ، چن سیان و آن هوا تقریباً تمام دهقانان در اتحادیه های دهقانی گرد آمده اند و تحت رهبری این اتحادیه ها قرار گرفته اند . دهقانان پس از آنکه سازمان وسیعی تشکیل دادند ، فوراً دست به عمل زدند و بالاخره طی چهار ماه انقلاب عظیمی در روستا برپا کردند - انقلابی که در تاریخ بی نظیر بود .

مرده باد مستبدین محلی و متنفذین شریر! همه قدرت به دست اتحادیه های دهقانی !

آماج عمده ضربه دهقانان مستبدین محلی ، متنفذین شریر و مالکان ارضی قانون شکن است ، اما همراه با آن تمام افکار و نظام پدرشاهی ، مامورین فاسد و مختلس در شهرها و عادات و رسومات مذموم در دهات نیز زیر ضربه قرار می گیرند . این ضربه از لحاظ قدرت همچون توفان سهمگینی است ، آنانکه در برابرش سر تسلیم فرود می آورند ، زنده می مانند . و آنانکه مقاومت می کنند ، نابود می شوند . در نتیجه ، امتیازاتی که مالکان ارضی فنودال طی هزاران سال از آن برخوردار بوده اند ، برانداخته می شود . حیثیت و اعتبار آنها به کلی از بین می رود . پس از خرد شدن اقتدار مالکان ارضی ، اتحادیه های دهقانی به یگانه ارگان قدرت تبدیل گردیدند و شعار عمومی "همه قدرت بدست اتحادیه های دهقانی" واقعا به تحقق پیوست . از این پس حتی مسائل کوچک چون دعوی زن و شوهر نیز به اتحادیه های دهقانی کشیده می شود . هیچ امری بدون حضور نماینده اتحادیه دهقانی نمی تواند برگزار شود . اتحادیه های دهقانی در روستا در تمام زمینه ها عملا اعمال قدرت می کنند ، به طوری که گفته می شود : "هرچه آنها می گویند ، انجام می شود" . آنهایی که عضو نیستند ، نمی توانند از این اتحادیه ها جز به نیکی سخن بگویند ؛ هیچ کس نمی تواند از آنها بدگویی کند . از مستبدین محلی و متنفذین شریر و مالکان ارضی قانون شکن حق بیان گرفته شده و هیچیک از آنها جرات نطق کشیدن ندارد . در برابر قدرت اتحادیه های دهقانی ، مهمترین مستبدین محلی و متنفذین شریر به شانگهای فرار کرده اند ؛ آنهایی که اهمیت کمتری دارند ، به حان کو ؛ آنهایی که از اینها هم کم اهمیت ترند به چان شا ؛ و کوچکترین آنها به مراکز شهرستان ؛ و بالاخره جوجه مستبدین محلی و جوجه متنفذین شریر در دهات مانده اند و در مقابل اتحادیه های دهقانی سر تسلیم فرود آورده اند . یکی از متنفذین شریر کوچک می گفت : "من حاضرم ده یوان بدهم ، فقط بهمن اجازه دهید وارد اتحادیه دهقانی بشوم" .

دهقانان جواب می دادند : "برو گم شو ! پول کثیف تو به درد ما نمی خورد . " بسیاری از مالکان ارضی کوچک و متوسط ، دهقانان مرفه و حتی دهقانان میانه حال که در گذشته مخالف اتحادیه ای دهقانی بوده اند ، اکنون بیهوده می کوشند به آنها بپیوندند . من در بسیاری از نقاط اغلب با اشخاصی برخورد می کردم که از من تقاضا می کردند : "کمیسر مرکز استان ! خواهش می کنیم ضامن ما بشوید ! " .

در زمان سلسله تسین ، مقامات محلی برای سرشماری دو دفتر ثبت داشتند : دفتر عادی و دفتر مخصوص . افراد شریف در دفتر عادی ثبت می شدند و افراد ناباب مانند راهزنان و دزدان در دفتر مخصوص . اکنون در برخی نقاط ، دهقانان طبق این متد کسانی را که مخالف اتحادیه های دهقانی بودند ، تهدید می کنند و می گویند : "نام اینها را در دفتر مخصوص ثبت کن ! " .

آنهایی که از ثبت نام در این دفتر بیم دارند ، به هر وسیله ای سعی می کنند تا وارد اتحادیه های دهقانی شوند و تنها موقعی آرامش خاطر می یابند که نامشان در دفتر عضویت یکی از اتحادیه ها ثبت گردد . اما اتحادیه های دهقانی اغلب آنها را صریحا رد می کنند و از این جهت قلبشان دائما از ترس می طپد ؛ آنها که درهای اتحادیه دهقانی بررویشان بسته شده ، خود را چون ولگردانی احساس می کنند که هیچگونه مامن و پناهی ندارند ؛ در دهات آنها را "مطرودان" می نامند . خلاصه ، این به اصطلاح "جوامع دهقانی" که چهارماه پیش با دیده حقارت به آنها می نگریستند ، اکنون به صورت سازمان پرافتخاری درآمده اند . همه کسانی که در گذشته در برابر اقتدار متنفذین کرنش می کردند ، اکنون در برابر قدرت دهقانان سر تعظیم فرود می آورند . هیچ کسی نیست که قبول نداشته باشد دنیا از ماه اکتبر سال گذشته دنیای دیگری شده است .

" بسیار بد است ! " و " بسیار خوب است ! "

شورش دهقانان در دهات خواب شیرین متنفذین را به هم زده است . اخبار روستا به محض اینکه به شهرها می رسد ، بین متنفذین ولوله و غوغا می انداخت . من هنگامی که وارد چان شا شدم ، با اشخاص مختلف برخورد کردم و شایعات زیادی در شهر شنیدم . از قشر متوسط جامعه گرفته تا جناح راست گومیندان همه یکصدا وضع را با این کلمات توصیف می کردند : "بسیار بد است ! " . تحت تاثیر گفته های پیروان عقیده اوضاع "بسیار بد است ! " که در تمام گوشه و کنار شهر به گوش می رسید ، حتی افراد خیلی انقلابی و قتیکه چشمان خود را می بستند و به آنچه که در روستا می گذشت ، می اندیشیدند ، دلسرد می شدند و قادر نبودند که کلمه "بد" را رد کنند . اشخاص بسیار مترقی نیز چنین اظهار می داشتند : "در جریان انقلاب این چیزها با اینکه بدند ، به هر حال اجتناب ناپذیرند . "

خلاصه هیچکس نمی‌توانست کلمه "بد" را یکسره رد کند. اما به‌طوریکه در بالا گفته شد، واقعیت این است که توده های وسیع دهقانی بپا خاسته اند تا نیروهای فئودالی روستا را واژگون سازند. طبقه فئودالی - پادشاهی مستبدین محلی، منتفدین شریر و مالکان ارضی قانون شکن پایه های این رژیم استبدادی چندین هزار ساله و تکیه گاه امپریالیستها، دیکتاتورهای نظامی و مامورین فاسد و مختلس را تشکیل می‌دهند. هدف واقع انقلاب ملی درست سرنگون ساختن این نیروهای فئودالی است. دکتر سون یات سن مدت چهار سال تمام همه نیروی خود را در خدمت انقلاب ملی گذاشت ولی آنچه که او می‌خواست و هرگز نتوانست به تحقق درآورد، دهقانان در ظرف چند ماه انجام دادند. این شاهکار بزرگ بی‌مانندی است که تا کنون نه تنها در ظرف چهار سال حتی در طول هزاران سال هم تحقق نیافته بود. این بسیار خوب است؛ به هیچوجه "بد" نیست. این همه چیز هست به‌جز "بسیار بد". "بسیار بد است!" - صریحا تئوری مخالفت با رستاخیز دهقانان، در جهت دفاع از منافع مالکان ارضی است، صریحا تئوری طبقه مالکان ارضی است که در جهت حفظ و حراست نظام کهنه فئودالی و جلوگیری از استقرار نظم نوین دمکراتیک سیر می‌کند؛ به سخن دیگر صریحا تئوری ضد انقلابی است. هیچ رفیق انقلابی نباید این لاطانات را تکرار کند. اگر شما دارای افکار انقلابی استوار باشید، اگر شما به روستا رفته و آنچه را که در آنجا می‌گذرد، دیده باشید، حتما وجد و سرور بی نظیری در خود احساس می‌کنید. هزاران هزار برده - دهقانان - دشمنان خود را که به طفیل آنان فریه شده بودند، بر زمین می‌کوبند. این کار دهقانان کاملا درست است؛ عمل آنها بسیار خوب است!

"بسیار خوب است!" تئوری دهقانان و همه انقلابیون دیگر است. هر رفیق انقلابی باید بداند که انقلاب ملی مستلزم دگرگونی بزرگی در روستا است. انقلاب 1911 (3) موجب چنین دگرگونی نگردید و از این جهت با شکست مواجه گشت. اکنون یک چنین دگرگونی صورت گرفته و این عامل مهمی است برای به سرانجام رساندن انقلاب. هر رفیق انقلابی باید از این دگرگونی پشتیبانی کند، چه در غیر اینصورت به موضع ضد انقلاب خواهد غلطید.

مسئله به اصطلاح "زیاده روی"

کسان دیگری نیز هستند که می‌گویند: "بله، اتحادیه های دهقانی لازمند، ولی آنها واقعا زیاده روی می‌کنند." این عقیده میانه روهاست. اما ببینیم حقیقتا چه می‌گذرد؟ یقین، دهقانان در دهات قدری "تمرد" می‌کنند. اتحادیه های دهقانی که دارای عالیترین قدرت می‌باشند، به مالکان ارضی اجازه صحبت نمی‌دهند و غرور و نخوت آنها را در هم می‌شکنند. این مساوی با آن است که آنها مالکان ارضی را بر زمین افکنده و پا بر سر آنان می‌نهند. "نامتان را در دفتر مخصوص ثبت می‌کنیم!" آنها مستبدین محلی و منتفدین شریر را جریمه می‌کنند، حق خود را از آنها می‌گیرند و تخت روانهای آنها را می‌شکنند. انبوه مردم به خانه های مستبدین محلی و منتفدین شریر که با اتحادیه های دهقانی مخالف اند، هجوم می‌برند، خوکهای آنها را می‌کشند و غلات آنها را به مصرف می‌رسانند. دهقانان حتی خود را روی تختوابهای عاج نشان دختران و نو عروسان مستبدین محلی و منتفدین شریر می‌اندازند و غلت می‌زنند. آنها به کوچکترین بهانه ای این آقایان را می‌گیرند و کلاه بوقی سرشان می‌گذارند و در ده می‌گردانند و به آنها می‌گویند: "مالک کثیف! حالا می‌فهمی با چه کسی سرو کرداری!" دهقانان هر کاری که بخواهند، می‌کنند؛ در روستا همه چیز غیر عادی شده و نوعی ترور حکم فرما گشته است. این همان چیزی است که بعضی ها "زیاده روی"، "به‌جای راست کردن در جهت مخالف خم کردن" و یا "واقعا قبیح است" می‌نامند. در ظاهر چنین عقیده هائی معقول به‌نظر می‌رسند، ولی در واقع همه آنها نیز اشتباه آمیزند. اولاً این خود مستبدین محلی، منتفدین شریر و مالکان ارضی قانون شکن هستند که دهقانان را به چنین اعمالی وادار می‌کنند. چه، آنها قرنه‌هاست که از قدرت خود برای آقائی کردن بر دهقانان و لگد مال کردن آنها سوءاستفاده نموده اند، به همین جهت دهقانان نیز با چنین قوتی از خود واکنش نشان می‌دهند. شدیدترین شورشها و بزرگترین بی نظمی ها بدون استثنا در نقاطی روی داده است که در آنجا مستبدین محلی، منتفدین شریر و مالکان ارضی قانون شکن به شنیع ترین اعمال دست زده اند. چشم دهقانان درست می‌بیند. دهقانان خوب می‌توانند حساب کنند که چه کسی شریر است و چه کسی شریر نیست، چه کسی خیلی شریر است و چه کسی قدری کمتر شریر است، چه کسی را باید سخت مجازات کرد و چه کسی را باید کم مجازات کرد. به‌قدرت اتفاق می‌افتد که مجازات متناسب با تقصیر نباشد. ثانیاً، انقلاب مجلس میهمانی نیست، مقاله نویسی نیست، نقاشی یا گلدوزی نیست، انقلاب نمی‌تواند آنقدر ظریف و آرام، آنقدر نجیب و معتدل، آنقدر مهربان و مودب، آنقدر خوددار و با شفقت باشد. انقلاب شورش و طغیان است، انقلاب عملی است قهرآمیز که بدان وسیله یک طبقه طبقه دیگر را واژگون می‌سازد. انقلاب در روستا انقلابی

است که طبقه دهقان بدان وسیله قدرت طبقه مالکان ارضی فئودال را در هم می‌شکند. دهقانان بدون صرف مساعی فراوان هرگز موفق نخواهند شد قدرت مالکان ارضی را که طی هزاران سال عمیقاً ریشه دوانده، در هم شکنند. در روستا رستاخیز انقلابی نیرومندی لازم است تا بتوان توده های میلیونی را به حرکت درآورد و از آنها نیروی عظیمی تشکیل داد. تمام اعمال فوق الذکر که "زیاده روی" خوانده می‌شوند، درست محصول آن نیروی دهقانان است که بر اثر رستاخیز انقلابی قدرتمند در روستا به حرکت درآمده است. در دوره دوم جنبش دهقانی (دوره عمل انقلابی) این‌گونه اعمال کاملاً لازم اند. در این دوره باید قدرت مطلق دهقانان را مستقر نمود. باید هرگونه انتقاد مغرضانه به اتحادیه های دهقانی را ممنوع کرد. باید قدرت متنفذین را کاملاً درهم شکست، آنها را بر زمین افکند و حتی پا بر سرشان نهاد. در دوره دوم کلیه اعمالی که "زیاده روی" نامیده می‌شوند، دارای اهمیت انقلابی می‌باشند. با صراحت باید گفت که در هر منطقه روستائی استقرار یک دوره کوتاه ترور ضرور است؛ و بدون آن سرکوب فعالیت ضد انقلابیون در روستا و درهم شکستن قدرت متنفذین به هیچوجه ممکن نیست. برای اینکه بتوان چیزی را راست کرد باید اول آنرا در جهت مخالف خم نمود و گرنه نمی‌توان آنرا راست کرد (4). با آنکه عقیده کسانی که از "زیاده روی" انتقاد می‌کنند، ظاهراً با عقیده آنهائیکه فریاد می‌کشند "بد است!" فرق می‌کند، ماهیتاً از یک نقطه نظر ناشی می‌شود: از تئوری مالکان ارضی که منافع طبقات ممتاز را حفظ و حراست می‌کند. از آنجا که این تئوری مانعی بر سر راه اعتلای جنبش دهقانی است و بالنتیجه انقلاب را برهم می‌زند، باید با قاطعیت علیه آن مبارزه کنیم.

به اصطلاح "جنبش پابرهنگان"

جناح راست گومیندان می‌گوید: "جنبش دهقانی جنبش پابرهنگان، جنبش دهقانان تنبل است." چنین سخنانی در چان شا اغلب به گوش می‌خورد. در روستا گاهی می‌شنیدیم که متنفذین می‌گویند: "اتحادیه های دهقانی را می‌توان ایجاد کرد، ولی آنهائی که اکنون در آنجا کار می‌کنند، به درد نمی‌خورند، باید آنها را عوض کرد!" معنی این سخنان با آنچه جناح راست گومیندان می‌گوید، یکی است؛ هر دوی آنها می‌گویند که جنبش دهقانی را می‌توان متشکل ساخت (زیرا که این جنبش اکنون برپا شده و هیچکسی جرات ندارد بگوید که آنرا نباید متشکل ساخت) ولی کسانی که آنرا رهبری می‌کنند، به درد نمی‌خورند. آنها به خصوص نسبت به مسئولین اتحادیه های دهقانی در مدارج پائین کینه می‌ورزند آنها را "پابرهنگان" می‌خوانند. خلاصه، همه کسانی که متنفذین آنها را در سابق حقیر و بی‌مقدار می‌شمردند و با اردنگ به لجنزار می‌افکندند، تمام آنهائی که در جامعه جانی نداشتند و از حق صحبت کردن محروم بودند، اکنون - نگاه کنید! - سر بلند کرده اند. مهمتر آنکه آنها نه تنها سر بلند کرده اند بلکه قدرت را هم در دست گرفته اند. آنها اتحادیه های دهقانی دهستان ها (5)، (پائین ترین درجه سازمانی) را می‌چرخانند و این اتحادیه ها در دست آنها به یک چیز هراس انگیزی مبدل شده است. آنها دستهای زمخت و پینه بسته خود را بروی متنفذین بلند می‌کنند. آنها متنفذین شریر را با طناب می‌بندند، کلاه بوقی بر سر آنها می‌گذارند و آنها را دور دهات می‌گردانند (این عمل در سیان تن، سیان سیان، "دور قصبات گردانیدن" و در لی لین "دور مزارع گردانیدن" نامیده می‌شود). هر روز اتهامات سخت و بی‌امان آنها به گوش متنفذین می‌رسد. آنها فرمان می‌دهند و در همه جا حکمرانی می‌کنند. در گذشته آنها از همه پائین تر بودند ولی اکنون در بالای همه قرار گرفته اند؛ این است آنچه که وضع غیر عادی می‌نامند.

پیش‌آهنگ انقلاب

دو نظر متضاد درباره پدیده یا اشخاص ناگزیر به دو ارزیابی متضاد نسبت به این پدیده یا اشخاص منجر می‌شود. "بسیار بد است!" و "بسیار خوب است!"، "پابرهنگان" و "پیش‌آهنگ انقلاب" نمونه های خوبی در این مورد بدست می‌دهند.

در بالا گفتیم که دهقانان آنچنان عمل انقلابی انجام داده اند که سالهای متمادی ناتمام مانده بود؛ آنها کار مهمی برای انقلاب ملی انجام داده اند. ولی آیا می‌توان گفت که همه دهقانان در این عمل بزرگ انقلابی، در این کار مهم انقلابی شرکت جسته اند؟ نه. دهقانان بر سه نوع اند: مرفه، میانه حال، فقیر. این سه نوع دهقانان در شرایط گوناگونی به سر می‌برند و بنابراین نسبت به انقلاب نیز دارای نظرات و برخوردهای مختلف می‌باشند. در دوره اول بین دهقانان مرفه شایع بود که ارتش لشکرکشی به شمال در جیان سی با شکست سختی مواجه گردیده، چانکایشک از پا زخمی شده (6) و با هوایما به گوان دون (7) بازگشته و او پی فو (8) شهر یوه جورا در دوباره

به تصرف درآورده است؛ اتحادیه های دهقانی به طور یقین مدت مدیدی نخواهند پائید و سه اصل خلق (9) نخواهد گرفت، زیرا که در گذشته چنین چیزهایی اصلاً دیده نمی شد. هنگامی که کسی از مسئولین اتحادیه دهقانی دهستان (معمولاً یکی باصطلاح "پابرهنگان") با دفتر ثبت به خانه دهقانی مرفه می رفت و به او می گفت: "ما از تو دعوت می کنیم که وارد اتحادیه دهقانی بشوی." دهقان مرفه چه جواب می داد؟ اگر برخوردش قدری بهتر بود، می گفت: "اتحادیه دهقانی؟ دهها سال است که اینجا زندگی می کنم و دهها سال است که زمینم را شخم می زنم، هرگز چنین چیزی به گوشم نخورده و مانع آنهم نشده که یک لقمه نان به دست بیاورم. من به شما توصیه می کنم که دنبال اینکارها نروید." ولی اگر برخوردش بد بود، پاسخ می داد: "اتحادیه دهقانی؟ مزخرف نگو! این اتحادیه بالاخره سرتان را بر باد می دهد! برای مردم در دسر ایجاد نکنید!" اما شگفت انگیز اینست که اتحادیه های دهقانی اکنون ماههاست برقرار شده اند و حتی جرئت کرده اند که علیه منتقدین موضع بگیرند. آنها در حول و حوش خود منتقدینی را که از تحویل دادن و افور احتراز می جستند، می گرفتند و در ده می گرداندند. در مراکز شهرستانها حتی منتقدین مهمی چون این ژون چپو از سیان تن و یان جی زه از نین سیان را اعدام کردند. در مراسم سالگرد انقلاب اکتبر و در جریان تظاهرات ضد انگلیسی و در مراسم جشن بزرگ پیروزی لشکرکشی به شمال، در هر دهستان قریب ده هزار دهقان با پرچم های کوچک و بزرگ، با شان چوبها و کلنگهای خود در صفوف پرهمینه ای جمع آمدند تا در تظاهرات توده ای شرکت جویند. در این هنگام بود که دهقانان مرفه سراسیمه شدند. در مراسم جشن بزرگ پیروزی لشکرکشی به شمال آنها شنیدند که جیو جیان تسخیر شده است و چانکاپشک پایش زخم نخورده و او پی فو بالاخره شکست خورده است. گذشته از این، شعارهای "زنده باد سه اصل خلق!"، "زنده باد اتحادیه های دهقانی!"، "زنده باد دهقانان!" خیلی واضح روی "اعلانهای سرخ و سبز" نوشته شده است. آنها که سخت سراسیمه شده بودند می گفتند "چی! زنده باد دهقانان؟ هنوز هیچی نشده برای اینها زنده باد می کشند؟" در اینجا بود که اتحادیه های دهقانی در خود احساس غرور می کردند. افراد اتحادیه ها به دهقانان مرفه می گفتند: "نامتان را در دفتر مخصوص ثبت خواهیم کرد." و یا "تا یک ماه دیگر ورودیه برای هر نفر ده یوان خواهد شد!" تنها در این موقع بود که دهقانان مرفه کم کم وارد اتحادیه های دهقانی شدند (10). بعضی از آنها نیم یوان یا یک یوان ورودیه پرداختند (در صورتیکه ورودیه معمولاً فقط 100 "وین" بود، برخی دیگر فقط هنگامیکه کسی توصیه آنها را می کرد، توانستند به عضویت در آیند. ولی بسیاری از دهقانان مرفه سرسخت هنوز به اتحادیه نپیوسته اند. آنهایکه به اتحادیه های دهقانی می پیوندند، اغلب نام پیرمردان خانواده را که نشان از شصت یا هفتاد سال می گذرد، ثبت می کنند، زیرا که همیشه از "سربازگیری" وحشت دارند. دهقانان مرفه بعد از ورود به اتحادیه شوروشوقی برای فعالیت از خود نشان نمی دهند. آنها همیشه غیر فعال باقی می مانند. و اما دهقانان میانه حال؟ موضع آنها متزلزل است. آنها بر این عقیده اند که انقلاب برایشان زیاد فایده ندارد. دیدگاههای آنها همیشه روی آتش است و هیچکسی برای مطالبه قرض خود نیمه شب در خانه آنها را نمی کوید. آنها نیز درباره آنچه که می گذرد، این طور فکر می کنند که آیا هرگز چنین چیزی وجود داشته است، و آنگاه چین به ابرو می اندازند و از خود سؤال می کنند: "آیا این اتحادیه های دهقانی می توانند دوام یابند؟"، "آیا سه اصل خلق می گیرد؟" و سپس نتیجه می گیرند: "مشکل!" و با تصور اینکه همه چیز منوط به اراده پروردگار است، با خود می گویند: "اتحادیه دهقانی؟ ولی آیا خدا قبول می کند؟" در دوره اول، وقتی که فردی از اتحادیه دهقانی با دفتر ثبت سراغ دهقانان میانه حال می رفت و به آنها می گفت: "ما از شما دعوت می کنیم که به اتحادیه دهقانی وارد شوید." آنها جواب می دادند: "عجله ای نیست." فقط در دوره دوم هنگامی که اتحادیه های دهقانی به نیروی بزرگی مبدل شدند، آنها به اتحادیه روی آوردند. در داخل اتحادیه رفتار آنها بهتر از رفتار دهقانان مرفه است، لیکن فعلاً فعالیت زیادی ندارند و هنوز در حالت انتظار بسر می برند. بسیار لازم است که اتحادیه های دهقانی بکوشند دهقانان میانه حال را به عضویت در آورند و کار توضیحی را در میان آنها تقویت کنند. در نبرد سختی که در روستا دنبال می شود، دهقانان فقیر همیشه نیروی عمده بوده اند. آنها چه در دوره فعالیت مخفی و چه در دوره فعالیت علنی، همواره به طور فعال مبارزه می کنند. درست همین دهقانان فقیر هستند که بیش از هر کس دیگر رهبری حزب کمونیست را می پذیرند. آنها دشمنان سوگند خورده مستبدین محلی و منتقدین شیریند به بدون آنکه کوچکترین تردیدی به خود راه دهند، به دژهای آنان حمله می کنند. آنها به دهقانان مرفه می گویند: "ما مدتهاست که وارد اتحادیه دهقانی شده ایم، شما معطل چه هستید؟" دهقانان مرفه با لحن تمسخر آمیزی به آنها جواب می دهند: "شما که حتی سقفی بالای سر خود ندارید، شما که حتی تکه زمینی به بزرگی سر سنجاق ندارید، چرا وارد اتحادیه دهقانی نمی شوید؟" راست است، دهقانان فقیر هیچ چیز ندارند که از دست بدهند. بسیاری از آنها در واقع "حتی سقفی بالای سر خود ندارند و حتی تکه زمینی به بزرگی سر سنجاق ندارند" پس چرا وارد اتحادیه های دهقانی نمی شوند؟ طبق برآوردی که در چان شا شده است، دهقانان فقیر هفتاد در صد،

دهقانان میانه حال بیست در صد ، و مالکان ارضی و دهقانان مرفه ده در صد سکنه روستا را تشکیل می‌دهند . این هفتاد در صد دهقانان فقیر را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد : بینوایان (12) و تهیدستان (13) . بینوایان که بیست درصد سکنه روستا را تشکیل می‌دهند ، دهقانانی هستند که هیچ چیز ندارند یعنی نه زمین دارند ، نه پول ، و هیچگونه وسیله معاش و مجبورند خانه و زندگی خود را رها کنند و به خدمت سربازی بروند ، در اینجا و آنجا به‌کار مزدوری بپردازند ، ول بگردند و یا گدائی کنند . تهیدستان که پنجاه در صد سکنه روستا را تشکیل می‌دهند ، شامل پیشه‌وران ، دهقانان اجاره دار (به استثنای دهقانان مرفه اجاره دار) و دهقانان نیمه مالک می‌باشند ؛ آنها چیز زیادی ندارند ، به عبارت دیگر ، کمی زمین یا مقداری پول دارند و بیشتر از آنچه که بدست می‌آورند ، می‌خورند ، تمام سال را زحمت می‌کشند و با گرفتاریهای سختی روبرو هستند . این توده عظیم دهقانان فقیر که هفتاد در صد سکنه روستا را تشکیل می‌دهند ، ستون فقرات اتحادیه های دهقانی ، پیش آهنگ مبارزه در سرنگون ساختن نیروهای فئودالی و پیش تازان پر افتخار امر خطیر انقلابند که سالهاست ناتمام مانده است . بدون طبقه دهقان فقیر (یا به‌قول منتقدین بدون "پا برهنگان") غیر ممکن بود که بتوان چنین وضع انقلابی در روستا به‌وجود آورد ، مستبدین محلی و منتقدین شریر را سرنگون ساخت و انقلاب دمکراتیک را به فرجام رسانید . از آنجا که دهقانان فقیر انقلابی ترین عناصر هستند ، رهبری اتحادیه های دهقانی را در دست گرفته اند . در جریان دوره اول و دوم تقریباً تمام روسا و اعضای پائین ترین مدارج کمیته های اتحادیه های دهقانی و دهقانان فقیر بودند (در شهرستان حن شان کارمندان اتحادیه های دهقانی دهستان بطریق زیر تقسیم می‌شوند : پنجاه در صد بینوایان چهل در صد تهیدستان و ده در صد روشنفکران فقیر) . بسیار لازم است که رهبری در دست دهقانان فقیر باشد . بدون دهقانان فقیر انقلابی نیست . انکار نقش دهقانان فقیر به‌منزله انکار انقلاب است . حمله کردن به آنها به‌منزله حمله کردن به انقلاب است . آنها هرگز در سمت گیری کلی انقلاب اشتباه نکرده اند . آنها آبرو و حیثیت مستبدین محلی و منتقدین شریر را از بین برده اند . آنها مستبدین محلی و منتقدین شریر بزرگ و کوچک را بر زمین افکنده و پا بر سرشان نهاده اند . بسیاری از اعمال آنها در دوره عمل انقلابی که با کلمه "زیاده روی" توصیف می‌شد ، در واقع از ضروریات انقلاب بود . مقامات محلی ، کمیته های گومیندان ، و اتحادیه های دهقانی بعضی از شهرستانهای استان حونان در این زمینه مرتکب اشتباهاتی شدند ، برخی از آنها تا آنجا پیش رفتند که بنا به تقاضای مالکان ارضی برای توقیف کارمندان اتحادیه های دهقانی در مدارج پائین سرباز اعزام داشتند . در شهرستانهای حن شان ، سیان سیان عده زیادی از روسا و اعضای کمیته های اتحادیه های دهقانی دهستان زندانی شده اند . این خطای بسیار بزرگی است که فقط غرور و نخوت مرتجعان را زیاد می‌کند . برای اینکه قضاوت کنیم که آیا این کار اشتباه بوده ، کافی است مشاهده کنیم که در هر جا که رئیس یا عضو کمیته اتحادیه دهقانی توقیف می‌شود ، چه شعف فوق العاده ای سراپای وجود مالکان ارضی قانون شکن را فرا می‌گیرد و تا چه اندازه محیط ارتجاع سنگینی می‌کند . ما باید با سخنان ضد انقلابی مانند "جنبش پابرهنگان" یا "جنبش دهقانان تنبل" مبارزه کنیم و به‌ویژه مراقب باشیم مرتکب این اشتباه نشویم که به مستبدین محلی و منتقدین شریر در حمله به طبقه دهقان فقیر یاری برسانیم . درست است که در میان کادرهای رهبری که جزو دهقانان فقیرند ، می‌توان کسانی را یافت که واقعا معایبی داشته اند ، اما هم اکنون اکثریت آنها خود را اصلاح کرده اند . آنها خودشان قماربازی را اکیدا ممنوع ساخته و علیه راهزنی به مبارزه برخاسته اند . در هر جا که اتحادیه دهقانی نیرومند است ، قماربازی کاملاً پایان یافته و راهزنی از بین رفته است . به‌طوریکه می‌گویند در بعضی جاها چیزهایی را که در راه مفقود می‌شود ، برنمی‌دارند و شبها در خانه ها را نمی‌بندند . طبق تحقیقاتی که در شهرستان حن شان به عمل آمده است ، هشتاد و پنج در صد کادرهای رهبری که جزو دهقانان فقیرند ، عناصر خیلی خوب ، انسانهایی قادر و پرکار از آب درآمده اند ، فقط پانزده در صد از آنها پاره ای عادات ناپسند را هنوز از دست نداده اند . آنها را حداکثر می‌توان "بعضی عناصر ناسالم" خواند ولی به هیچوجه قابل قبول نیست که با مستبدین محلی و منتقدین شریر هم آواز شد و با همه آنها در بست مانند "پابرهنگان" معامله نمود . مسئله "بعضی عناصر ناسالم" را فقط می‌توان این‌طور حل کرد که تحت شعار تقویت انضباط که از طرف خود اتحادیه های دهقانی مطرح شده ، به‌کار تبلیغاتی در میان توده ها پرداخت ، این "بعضی عناصر ناسالم" را تربیت نمود و انضباط را در اتحادیه های دهقانی تحکیم کرد ؛ در هیچ حالتی نباید خود سرانه سرباز اعزام داشت و دست به توقیف زد . این کار به اعتبار دهقانان فقیر لطمه می‌زند ، غرور و نخوت مستبدین محلی و منتقدین شریر را زیاد می‌کند . جا دارد به این مسئله توجه خاصی مبذول گردد .

چهارده دست‌آورد بزرگ

کسانی که از اتحادیه های دهقانی ایراد می‌گیرند ، حرفشان به‌طور کلی اینست که این اتحادیه ها کارهای بد فراوانی کرده اند . من در بالا نشان دادم که حمله دهقانان به مستبدین محلی و منتفدین شریر عملی صد در صد انقلابی است و به این عمل هیچ ایرادی وارد نیست . دهقانان کارهای بسیاری انجام داده اند و برای جوابگویی به ایرادات کسانی که آنها را محکوم می‌کنند ، لازم است کلیه اعمال آنها را یک به یک مورد بررسی قرار دهیم تا معلوم شود که واقعا چه کارهایی کرده اند . من پس از آن که فعالیت آنها را طی ماههای اخیر رده بندی و جمع بندی کردم ، به این نتیجه رسیدم که دهقانان تحت رهبری اتحادیه های دهقانی چهارده دست‌آورد بزرگ به شرح زیر به حساب خود گذاشته اند :

1 – متشکل کردن دهقانان در اتحادیه های دهقانی

این نخستین دست‌آورد بزرگ دهقانان است . در شهرستانهایی مانند سیان تن ، سیان سیان و حن شان تقریبا تمام دهقانان متشکل شده اند و مشکل می‌توان "گوشه دور افتاده ای" را پیدا کرد که در آنجا دهقانان به پا نخاسته باشند . این شهرستانها از این نظر مقام اول را احراز می‌کنند . شهرستانهایی مانند آی یان و حوا ژون که اکثریت دهقانان در آنجا متشکل شده اند ولی هنوز عده قلیلی خارج از سازمان باقی مانده اند ، مقام دوم را اشغال می‌کنند . مقام سوم را شهرستانهایی مانند چن بو و لین لین کسب می‌کنند که در آنجا فقط بخش کوچکی از دهقانان متشکل شده اند و اکثریت هنوز متشکل نگردیده اند . قسمت غربی حونان که تحت کنترل یوان زو مین (14) قرار دارد ، مقام چهارم را می‌گیرد ؛ در این منطقه کار تبلیغاتی درباره اتحادیه های دهقانی هنوز راه نیافتاده و دهقانان بسیاری از شهرستانهای آن اصلا متشکل نگردیده اند . به‌طور کلی شهرستانهای قسمت مرکزی حونان در اطراف چان شا از نظر سازماندهی از همه جا پیشرفته ترند در حالی که شهرستانهای جنوبی حونان از این نظر در مرتبه دوم قرار دارند و در قسمت غربی این استان سازماندهی تازه شروع شده است . بنا بر آماري که اتحادیه دهقانی حونان در نوامبر سال گذشته گرد آورده ، در بیست و هفت شهرستان از هفتاد و پنج شهرستان این استان سازمانهائی ایجاد شده اند که تعداد اعضای آنها به 1367727 نفر می‌رسد . از میان آنها قریب یک میلیون دهقان در اکتبر و نوامبر سال گذشته یعنی در موقعی که قدرت اتحادیه های دهقانی در بحبوحه رشد خود بود ، متشکل گردیدند ، در حالی که تا سپتامبر ، تعداد اعضای اتحادیه ها بیش از سیصد الی چهارصد هزار نفر نبود . بعد ماههای دسامبر و ژانویه فرا رسید و جنبش دهقانی به رشد پر دامنه خود ادامه داد . در آخر ژانویه تعداد کل اعضای اتحادیه های دهقانی باید حداقل به دومیلیون نفر رسیده باشد . از آنجا که در اکثر موارد از هر خانواده فقط یک نفر در اتحادیه نام نویسی می‌کند ، و هر خانواده به‌طور متوسط شامل پنج نفر است ، اتحادیه های دهقانی توده ای نزدیک به ده میلیون نفر را در بر می‌گیرند . درست همین اعتلای شگفت انگیز و سریع است که توضیح می‌دهد چرا همه مستبدین محلی و منتفدین شریر و مامورین فاسد و مختلس منفرد شده اند ، چرا مردم با بهت و حیرت می‌بینند که دنیای نو جای دنیای قدیم را گرفته است ، و چرا در روستا انقلاب عظیمی پدید آمده است . اینست نخستین دست‌آورد بزرگ دهقانان تحت رهبری اتحادیه های دهقانی .

2 – ضربه سیاسی بر مالکان ارضی

دهقانان پس از ایجاد سازمانهای خود اولین کاری که کردند از بین بردن حیثیت و نفوذ سیاسی طبقه مالکان ارضی و استقرار قدرت دهقانان در جامعه روستائی . این یک مبارزه فوق العاده جدی و حیاتی است . این مبارزه در دوره دوم یعنی در دوره عمل انقلابی مبارزه مرکزی را تشکیل می‌دهد . اگر این مبارزه به پیروزی نیانجامد ، به هیچوجه نمی‌توان در مبارزه اقتصادی به‌خاطر تقلیل بهره مالکانه و نرخ سود ، به‌خاطر به‌دست آوردن زمین و سایر وسائل تولید و غیره به پیروزی نایل آمد . در بسیار از نقاط حونان مانند شهرستانهای سیان سیان ، حن شان و سیان تن ، این مسئله دیگر مطرح نیست ، زیرا که قدرت مالکان ارضی به‌کلی در هم شکسته و قدرت بلامنازع دهقانان مستقر گردیده است . اما در شهرستانهایی چون لی لین هنوز نقاطی یافت می‌شود (مثلا در مغرب و جنوب لی لین) که در آنجا قدرت مالکان ارضی از قدرت دهقانان ضعیف تر به نظر می‌رسد ولی به‌علت این‌که مبارزه سیاسی هنوز حدت نیافته ، در واقع با قدرت دهقانان در خفا رقابت می‌ورزد . در این نقاط هنوز نمی‌توان گفت که دهقانان به پیروزی سیاسی نایل آمده اند ؛ مبارزه سیاسی را باید با نیروی بیشتری ادامه داد تا این که دهقانان قدرت مالکان ارضی را از اساس سرنگون سازند . دهقانان برای وارد آوردن ضربه سیاسی بر مالکان ارضی به‌طور کلی شیوه های زیر را به‌کار می‌برند :

مستبدین محلی و متنفذین شریر در محل با در دست داشتن وجوه عمومی غالباً پولها را به رسیدگی به حسابها جیب می‌زدند و در حسابها دست می‌بردند. اکنون دهقانان فرصت رامعنتم شمرده و از طریق رسیدگی به حسابها از بسیاری از مستبدین محلی و متنفذین شریر سلب قدرت کرده اند. در بسیاری از نقاط کمیسیونهای برای رسیدگی به حسابها تشکیل شده است که به‌ویژه ماموریت دارد از مستبدین محلی و متنفذین شریر حساب پس بگیرد، و مستبدین محلی و متنفذین شریر وقتی چشمشان به چنین کمیسیونی می‌افتد، از بیم بر خود می‌لرزند. چنین پیکاری در کلیه شهرستانهایی که جنبش دهقانی در آنجا رشد یافته، دامنه وسیعی به خود گرفته است. اهمیت این پیکار آنقدر که در افشای جنایات مستبدین محلی و متنفذین شریر و عزل آنها از مقامهای سیاسی و اجتماعی است، در پس گرفتن پولهای اختلاس شده نیست.

دهقانان برای جرایم زیرین مجازات پولی تعیین کرده اند: اختلاس و سوء استفاده های مالی که در جریمه گرفتن نتیجه رسیدگی به حسابها فاش شده اند؛ وحشی‌گری نسبت به دهقانان در گذشته؛ فعالیتهای تخریبی کنونی علیه اتحادیه های دهقانی؛ نقض دستور منع قماربازی و امتناع از تحویل و افور. در هر یک از این موارد دهقانان تصمیم می‌گیرند که این یا آن مستبد محلی و متنفذ شریر فلان مبلغ جریمه بپردازد. این جریمه ها از چند ده یوان تا چند هزار یوان تغییر می‌کند. بدیهی است که مستبدین محلی و متنفذین شریر که دهقانان از آنها جریمه گرفته اند، وجهه خود را کاملاً از دست می‌دهند.

مالکان ارضی ثروتمند قسی القلب مجبور به پرداخت "اعانه" می‌شوند که به‌مصرف کمک به "اعانه" گرفتن فقرا، به‌مصرف ایجاد کوپراتیوها، صندوقهای تعاونی روستائی و یا احتیاجات دیگر می‌رسد. "اعانه" گرفتن نیز نوعی مجازات است، ولی مجازات خفیفتر از جریمه. برای جلوگیری از هرگونه پیش آمد ناگوار بسیاری از مالکان ارضی داوطلبانه به اتحادیه های دهقانی "اعانه" می‌دهند.

هرگاه کسی با رفتار یا گفتار خود به اتحادیه های دهقانی صدمه برساند ولی گنااهش چندان بازخواست کوچک بزرگ نباشد، دهقانان دسته جمعی به خانه او می‌ریزند و بدون خشونت زیاد از او بازخواست می‌کنند. معمولاً او با بیانی روشن کتبا تعهد می‌سپرد که از این به‌بعد از این کارها دست بردارد، یعنی با سخنان و اعمال خود به حیثیت اتحادیه های دهقانی زیان نرساند، و بدین ترتیب مسئله منتفی می‌شود.

انبوه بزرگی از مردم جمع می‌شوند و علیه مستبد محلی یا متنفذ شریری که با اتحادیه های تظاهرات بزرگ دهقانی خصومت می‌ورزد، دست به تظاهرات می‌زنند؛ آنها در منزل او غذا می‌خورند و در این حالت کار بدون ذبح خوکها و مصرف غله صاحبخانه تمام نمی‌شود. این گونه موارد کم نیستند. اخیراً در ماجیاهه واقع در سیان تن چنین حادثه ای رخ داد: جمعیتی قریب پانزده هزار نفر برای تنبیه به‌خانه های شش متنفذ شریر رفتند و دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات چهار روز طول کشید و در این مدت بیش از صد و سی خوک ذبح شد. این گونه تظاهرات معمولاً با تحمیل جریمه پایان می‌یابند.

این یک کار خیلی معمولی است. بر سر مستبدین محلی و متنفذین شریر کلاه با کلاه بوقی دور ده گردانیدن کاغذی بوقی می‌گذارند که رویش اسم آن مستبد محلی و متنفذین شریر نوشته شده است. سپس آنها را به ریسمانی می‌بندند و در میان توده های مردم دور ده می‌گردانند. و گاهی برای جلب توجه مردم بر سینی مسی می‌کوبند و پرچم هائی به اهتزاز در می‌آورند. این مجازات بیش از هر مجازات دیگری مستبدین محلی و متنفذین شریر را به وحشت می‌اندازد. کسی که بدین ترتیب با کلاه بوقی ولو یکبار هم دور ده گردانیده شود، دیگر وجهه خود را پاک از دست می‌دهد و نمی‌تواند سر بلند کند. بدین جهت پولداران اغلب ترجیح می‌دهند جریمه بپردازند ولی کلاه بوقی بر سرشان نگذارند. اما وقتی دهقانان رد کنند، آنها مجبور می‌شوند به کلاه بر سر گذاشتن تن در دهند. یکی از اتحادیه های دهقانی دهستان خوشمزگی جالبی کرد: این اتحادیه متنفذ شریری را گرفت و به او اعلام کرد که همان روز کلاه بوقی بر سرش خواهد گذاشت. رنگ این متنفذ شریر از وحشت پرید. ولی بعد اتحادیه دهقانی تصمیم گرفت که در آنروز کلاه بوقی سرش نگذارد، زیرا که اگر او را فوراً مجازات می‌کرد، ممکن بود که بی‌رگ شود و دیگر از این مجازات نترسد. به این جهت اتحادیه دهقانی صلاح دید او را به‌خانه بفرستد و یک روز دیگر کلاه بوقی سرش بگذارد. این متنفذ شریر که دقیقاً نمی‌دانست چه روزی کلاه بوقی سرش خواهند گذاشت، در خانه یک لحظه آرامش نمی‌یافت و خواب و خوراک از وی سلب شده بود.

این مجازات از مجازات کلاه بوقی بر سر گذاشتن سخت تر است. مستبدین پس کردن در زندانهای شهرستان محلی و متنفذین شریر را پس از توقیف به زندانهای شهرستان اعزام می‌کنند و در آنجا نگه می‌دارند و از حاکم شهرستان می‌خواهند که آنها را به محکمه بفرستد و کیفر دهد. بنابراین در مورد حبس وضع تغییر کرده است: سابقاً متنفذین بودند که دهقانان را به زندان می‌فرستادند ولی اکنون دهقانان متنفذین را.

. منظور دهقانان از تبعید مستبدین محلی و متنفذین شریر که مرتکب جنایات سخت شده اند ، نیست ، بلکه تبعید مایلند آنها را توقیف و یا اعدام کنند . به همین جهت مستبدین محلی و متنفذین شریر فرار را بر قرار ترجیح می‌دهند تا دچار چنین سرنوشتی نشوند . تقریباً تمام مستبدین محلی و متنفذین شریر بزرگ شهرستانهایی که در آنجا جنبش دهقانی وسعت یافته ، فرار اختیار کرده اند و این خود به منزله تبعید است . مهمترین آنها به شانگهای گریخته اند ، آنهایی که اهمیت کمتری داشتند به حان کو ، آنهایی که باز هم اهمیت شان کمتر بوده به چان شا ، کم اهمیت ترین آنها به مراکز شهرستانها پناه برده اند . از میان تمام این مستبدین محلی و متنفذین شریر فراری آنهایی که به شانگهای پناه برده اند ، از همه بیشتر در امنیت بهسر می‌برند . از میان آنهایی که به حان کو فرار کرده اند ، بعضی ها مثل سه متنفذ شریر حوا ژون بالاخره دستگیر و به محل خود باز گردانیده شدند . آنهایی که به چان شا پناه برده اند ، به طریق اولی پیوسته در معرض این خطرند که از طرف دانشجویان شهرستان خود که در آنجا تحصیل می‌کنند توقیف شوند ؛ من خودم در این شهر شاهد توقیف دو متنفذ شریر بودم . اما کم اهمیت ترین مستبدین محلی و متنفذین شریر را که در مراکز شهرستانها پنهان شده اند ، به سهولت می‌توان پیدا کرد ، زیرا دهقانان در این مراکز چشمها و گوشهای فراوانی دارند . مقامات مالیه مشکلات مالی حکومت حونان را مربوط به این می‌دانند که دهقانان ثروتمندان را از روستا رانده اند و در نتیجه تهیه پول مشکل گردیده است ؛ از اینجا می‌توان فهمید که وجود مستبدین محلی و متنفذین شریر در دهات خود تا چه اندازه غیر قابل تحمل است .

. دهقانان مشترکاً با بخشهای دیگر اهالی فقط در مورد مستبدین محلی و متنفذین شریر بسیار مهم تیرباران کردن بهچنین اقدامی توسل می‌جویند ، چنانکه در نتیجه اصرار دهقانان و بخشهای دیگر اهالی بود که مقامات محلی به اعدام یان جی زه (از شهرستان نین سیان) ، جو جیاگان (از شهرستان یوه یان) ، فودائو نان و سون بوه جو (از شهرستان حوا ژون) دست زدند . در شهرستان سیان تن دهقانان و بخشهای دیگر اهالی فرماندار شهرستان را مجبور کردند که یان ژون چپو را که زندانی بود به آنها تسلیم نماید و سپس خود دهقانان او را تیرباران کردند . در شهرستان نین سیان دهقانان خودشان لیو جائو را اعدام کردند . هم اکنون پون جی فن (از شهرستان لی لین) جو تیان جیوه و تسائو یون (از شهرستان ای یان) در انتظار اعلام حکم اعدام "دادگاه مخصوص برای محاکمه مستبدین محلی و متنفذین شریر" هستند . اعدام این یا آن مستبد محلی و متنفذ شریر مهم تمام شهرستان را به هیجان در می‌آورد و برای ریشه کن کردن بقایای فئودالیسم بسیار موثر است . هر شهرستان دارای چنین مستبدین محلی و متنفذین شریر بزرگ است ؛ در بعضی از شهرستانها تعداد آنها به چند ده نفر و در برخی دیگر حداقل به چند نفر می‌رسد . باید در هر شهرستان لاقط چند مستبد محلی و متنفذ شریر را که مرتکب جنایات فجیع شده اند ، اعدام کرد ؛ این عمل تنها وسیله موثر برای سرکوب ارتجاع است . مستبدین محلی و متنفذین شریر هنگامی که بر سر قدرت بودند ، بدون آنکه خم به ابرو بیاورند دهقانان را به قتل می‌رسانیدند . چه مای چپوان فرمانده گارد دفاع دهکده سین کان (شهرستان چان شا) مدت ده سال فرمانروائی می‌کرد و قریب هزار نفر دهقان فقیر را به بهانه ظاهراً موجه (اعدام راهزنان) به قتل رسانید . در زادگاه من در شهرستان سیان تن ، تان جیون یین و لوه شو لین فرمانده هان گارد دفاع دهکده بین تیان از سال 1913 به این طرف یعنی طی 14 سال بیش از پنجاه نفر را به قتل رسانیدند و 14 نفر را زنده به‌گور کردند . و از میان این پنجاه نفر اولین قربانی ها دو گدای مطلقاً بی‌گناه بودند . تان جیون یین گفت : "فعلاً از این دو گدا شروع می‌کنیم !" و بدین ترتیب زندگی این دو انسان خاموش شد . اگر در گذشته مستبدین محلی و متنفذین شریر چنین بی‌رحمی و قساوتی از خود نشان دادند ، اگر آنها در روستا چنین ترور سفیدی برقرار کردند ، اکنون که دهقانان به پاخاسته اند و چند مستبد محلی و متنفذ شریر را تیرباران کرده اند و برای سرکوب ضد انقلاب اندکی ترور اعمال نموده اند ، آیا دلیل هست که بتوان آنها را ملامت کرد ؟

3 - ضربه اقتصادی بر مالکان ارضی

. این منع صدور برنج به مناطق دیگر ، جلوگیری از بالا بردن قیمت برنج و ذخیره کردن برنج به منظور احتکار یکی از رویدادهای بزرگ مبارزه اقتصادی دهقانان حونان طی ماههای اخیر است . از اکتبر سال گذشته تا به حال دهقانان فقیر مانع شدند که مالکان ارضی و دهقانان مرفه برنج را خارج کنند ، و برای آنها قدغن کردند که قیمت برنج را بالا برند و آنرا به قصد احتکار ذخیره کنند . و نتیجه این شد که دهقانان فقیر کاملاً به هدف خویش دست یافتند : خارج کردن برنج متوقف گردید ، قیمت ها به‌طور محسوس پائین آمد و اثری از احتکار برنج باقی نماند . در ژوئیه و اوت سال گذشته هنگامی که اتحادیه های منع افزایش بهره مالکانه و وثیقه ، تبلیغ به‌منظور تقلیل آنها دهقانی هنوز ضعیف بودند ، مالکان ارضی با به‌کار بردن شیوه های کهنه استثمار بی‌رحمانه یکی پس از دیگری به دهقانان اجازه دار اطلاع دادند که بهره مالکانه و وثیقه را افزایش خواهند داد . اما از ماه اکتبر موقعیکه اتحادیه

های دهقانی به‌طور قابل ملاحظه ای نیرومند شدند و به اتفاق آرا علیه افزایش بهره مالکانه و وثیقه موضع گرفتند ، مالکان ارضی دیگر جرئت نمودند در این مورد سخنی بر زبان بیاورند . از نوامبر به بعد ، دهقانان که نیرویشان بر مالکان ارضی می‌چربید ، گامی فراتر گذاردند که به‌سود تقلیل بهره مالکانه و وثیقه شروع به تبلیغ کردند . آنها می‌گویند : افسوس که در پائیز گذشته هنگام پرداخت بهره مالکانه اتحادیه های دهقانی به اندازه کافی نیرومند نبودند و گر نه ما در آن موقع بهره مالکانه را کم می‌کردیم . دهقانان از هم اکنون دست به کار تبلیغاتی وسیعی زده اند تا در پائیز آینده بهره مالکانه را تقلیل دهند ؛ مالکان ارضی نیز می‌خواهند بدانند که تقلیل بهره مالکانه چگونه انجام خواهد گرفت . اما تقلیل وثیقه هم اکنون در شهرستان حن شان و چند شهرستان دیگر در جریان است .

یاز داشتن مالکان ارضی از پس گرفتن زمینهای مورد مزارعه . در ژوئیه و اوت سال گذشته غالباً اتفاق می‌افتاد که مالکان ارضی زمین مورد مزارعه را از برخی دهقانان پس می‌گرفتند تا آنها را به‌دیگران واگذار کنند . از اکتبر به‌این‌طرف دیگر هیچیک از آنها جرئت چنین کاری را ندارد . از این پس دیگر چنین رسمی در میان نیست . فقط در مواردی که مالک زمین مورد مزارعه را پس می‌گیرد تا خودش روی آن کشت و زرع کند ، هنوز مسئله کاملاً حل نشده است . در بعضی نقاط ، دهقانان حتی از این هم ممانعت می‌کنند که مالک زمینش را پس بگیرد و خودش روی آن کشت و زرع کند ؛ در نقاط دیگر ، اگر واقعا خود مالک به کشت و زرع زمین بپردازد ، دهقانان به او اجازه می‌دهند ، ولی در این حالت ممکن است دهقانان اجازه دار به بیکاری دچار شوند . برای این مسئله هنوز راه حل واحدی پیدا نشده است .

تقلیل نرخ سود . نرخ سود قرضه ها در تمام شهرستان ان هوا و در بعضی نقاط شهرستانهای دیگر پائین آمده است . معذالک در نقاطی که اتحادیه های دهقانی بسیار نیرومندند ، مالکان ارضی که از "اشترکی شدن" می‌ترسند ، از دادن هر گونه قرضه ای به دهقانان پرهیز می‌کنند و در دهات نمونه های پرداخت قرضه چندان نیست . تقلیل نرخ سود که اکنون از آن سخن می‌رود ، فقط شامل قرضه های قدیمی می‌شود . نه تنها نرخ سود چنین قرضه هایی پائین آمده ، بلکه به طلبکاران نیز دیگر اجازه نمی‌دهند که اصل پول خود را از بدهکاران مصرانه مطالبه نمایند . دهقان فقیر می‌گوید : "من تقصیری ندارم ، خرمن امسال خوب نیست ، سال آینده بدهی خود را خواهم پرداخت!"

4 - سرنگون کردن

حاکمیت فنودالی مستبدین محلی و متنفذین شریر - برانداختن "دو" و "توان" (15)

در "دو" و "توان" (یعنی بخش و دهستان) به‌ویژه در "دو" که یک درجه پائینتر از شهرستان است ، ارگانهای قدیمی قدرت تقریباً همگی در دست مستبدین محلی و متنفذین شریر بودند . "دو" جمعیتی برابر 10 تا 50 هزار و یا 60 هزار نفر را در قلمرو خود داشت ، دارای نیروی مسلح مخصوص خود بود مانند گارد دفاع ، حق داشت مستقلاً مالیات ببندد مانند مالیات ارضی برحسب "مو" (16) ، و قوه قضائی مستقل داشت مثلاً حق داشت خودسرانه دهقانان را بگیرد ، به زندان بیاورد ، از آنها بازجویی کند و آنها را کیفر دهد . متنفذین شریر که در این ارگانها عضویت داشتند ، در واقع پادشاهان روستا بودند . دهقانان از رئیس جمهوری ، از "دوجیون ها" (17) و فرمانداران شهرستانها کمتر حساب می‌بردند ؛ ولی این پادشاهان روستا "خداوندگاران" واقعی دهقانان بودند ؛ این "خداوندگاران" سرفه که می‌کردند ، دهقانان می‌دانستند که باید برحذر باشند . اما اکنون شورش دهقانان در روستا در همه جا قدرت مالکان ارضی را در هم شکسته و تمام ارگانهای قدرت روستائی که در دست مستبدین محلی و متنفذین شریر بودند ، طبیعتاً فرو ریخته اند . روسای "دو" و "توان" مخفی شده اند و جرات ندارند سرشان را از خانه بیرون آورند . آنها تمام امور محلی را به اتحادیه های دهقانی واگذار کرده اند . و وقتیکه مردم به آنها مراجعه می‌کنند ، آنها می‌گویند : "این کار به من مربوط نیست" . وقتیکه دهقانان از این روسا گفتگو می‌کنند ، با خشم می‌گویند : "این پست فطرتان ، کارشان دیگر تمام شده است ؛"

این عبارت "کارشان دیگر تمام شده است ؛" وضع ارگانهای قدرت قدیمی را در مناطق روستائی ، مناطقی که موج انقلاب آنها را پاک کرده است ، به‌خوبی توصیف می‌کند .

5 - واژگونی نیروهای مسلح مالکان ارضی و ایجاد نیروهای مسلح دهقانان

تعداد نیروهای مسلح مالکان ارضی در حونان مرکزی نسبتاً کم است، ولی در مغرب و جنوب این استان نسبتاً زیاد است. اگر برای هر شهرستان به‌طور متوسط 600 تفنگ حساب کنیم، برای هفتاد و پنج شهرستان رقم 45 هزار بدست می‌آید، ولی در واقع شاید از این رقم هم بیشتر باشد. در مرکز و جنوب حونان یعنی در مناطقی که جنبش دهقانی رشد یافته، مانند شهرستانهای نین سیان، پین جیان، لیو یان، چان شا، لی لین، سیان تن، سیان سیان، آن هوا، حن شان، حن یان دهقانان با چنان شور نیرومندی به قیام برخاستند که مالکان ارضی قادر به دفاع از خویش نگردیدند و واحدهای مسلح آنها غالباً خود را در اختیار اتحادیه‌های دهقانی گذارند و جانب دهقانان را گرفتند. گروه کوچکی از واحدهای مسلح مالکان ارضی مثلاً در شهرستان بائو چین در عین آنکه متمایل به تسلیم در برابر دهقانان است موضع بی‌طرفی اختیار کرده است. گروه کوچکی دیگری از این واحدهای مسلح - مثلاً در شهرستانهای آی جان، لین او و جیاوه - نسبت به اتحادیه‌های دهقانی روش خصمانه‌ای اتخاذ نموده است، ولی اکنون این گروه مورد حمله دهقانان قرار گرفته و به احتمال قوی به زودی نابود خواهد شد. نیروهای مسلحی که از چنگ مالکان ارضی مرتجع بیرون کشیده شده‌اند، همه به‌صورت "واحدهای دائمی گارد مزرعه" (18) تجدید سازمان یافته و در زیر فرمان ارگانهای خودمختار جدید روستائی که ارگانهای قدرت سیاسی دهقانان است، قرار خواهند گرفت، به‌دست گرفتن این نیروهای مسلح قدیمی یکی از راههای ایجاد نیروهای مسلح دهقانی است. راه دیگر که تازه برگزیده شده عبارت است از ایجاد واحدهای نیزه دار اتحادیه‌های دهقانی. هر نیزه از دسته بلندی تشکیل می‌شود که انتهای آن را قطعه‌ای آهن تیز که دارای دو لبه برنده است، می‌پوشاند. تنها در شهرستان سیان شماره این نیزه‌ها به یک صد هزار می‌رسد. در شهرستان دیگر مانند سیان تن، حن شان، لی لین و چان شا تعداد نیزه‌ها از هفتاد تا هشتاد هزار، پنجاه تا شصت هزار، و یا سی تا چهل هزار تغییر می‌کند. در تمام شهرستانهایی که جنبش دهقانی آنها را فرا گرفته، تعداد این واحدها به سرعت افزایش می‌یابد. دهقانان مسلح به نیزه به‌صورت "واحدهای موقت گارد مزرعه" سازمان می‌یابند. این واحدهای نیزه دار بزرگ نیرومند تر از واحدهای مسلح قدیمی‌اند که در بالا بدانها اشاره شد؛ این نیروی مسلحی است که به تازه‌گی ایجاد شده و مستبدین محلی و متنفذین شریر را به لرزه درآورده است. مقامات انقلابی حونان باید واقعا این شکل سازمانی نیروهای مسلح را به بیش از بیست میلیون دهقانی که در هفتاد و پنج شهرستان استان ساکن‌اند، توسعه دهند و کاری کنند که هر دهقان جوان یا سالمند یک نیزه داشته باشد. مقامات انقلابی نباید به تصور اینکه این نیزه‌ها وحشتناکند، تعداد آنها را محدود نمایند. انسان واقعا باید خیلی بزدل باشد که از دیدن این واحدهای نیزه دار به وحشت افتد. فقط مستبدین محلی و متنفذین شریر از این واحدها در هراسند، ولی انقلابیون نباید از آنها بترسند.

6 - درهم شکستن اقتدار سیاسی حاکم شهرستان و مامورین اجراء وی

ارگان قدرت شهرستان را نمی‌توان تصفیه کرد مگر اینکه دهقانان خود به‌پا خیزند؛ این حقیقتی است که در حای فون واقع در استان گوان دون به‌اثبات رسیده است. این‌بار به‌خصوص حونان نمونه بارز دیگری به‌دست می‌دهد. در شهرستانهایی که قدرت در دست مستبدین محلی و متنفذین شریر است، تقریباً تمام کسانی که حاکم شهرستان می‌شوند مامورین فاسد و مختلس‌اند. اما در شهرستانهایی که دهقانان به‌پا خاسته‌اند، ارگان قدرت، هر کس که در راس آن باشد، پاک است. در شهرستانهایی که من توقف داشتیم، حکام شهرستان، در هر کاری قبلاً می‌بایست با اتحادیه‌های دهقانی مشورت کنند. در شهرستانهایی که قدرت دهقانان بسیار نیرومند است، حرف اتحادیه‌های دهقانی واقعا معجزه می‌کند. اگر اتحادیه دهقانی توقیف یک مستبد محلی و یا یک متنفذ شریر را صبحدم طلب کند، حاکم شهرستان جرئت ندارد آنرا تا ظهر به‌تاخیر اندازد و اگر توقیف را ظهر مطالبه کند، حاکم شهرستان جرئت ندارد آنرا تا بعداز ظهر معوق گذارد. در نخستین مرحله استقرار قدرت دهقانان در روستا، حکام شهرستانها برای اینکه علیه دهقانان به‌مقابله برخیزند، با مستبدین محلی و متنفذین شریر ساخت و پاخت کردند. موقعی که اقتدار دهقانان به‌درجه اقتدار مالکان ارضی رسید، حکام شهرستانها روشی در پیش گرفتند تا خودشان را نزد هر دو طرف خوبه کنند؛ آنها بعضی از تصمیمات اتحادیه‌های دهقانی را می‌پذیرفتند و تصمیمات دیگر را رد می‌کردند. آنچه من در فوق درباره تأثیر معجزه‌آسای حرف اتحادیه‌های دهقانی گفتم، مربوط به حالتی است که قدرت مالکان ارضی از طرف دهقانان به‌کلی در هم شکسته شده بود. فعلا وضع سیاسی در شهرستانهای سیان سیان، لی لین، و حن شان از قرار زیر است:

1 - کلیه امور توسط شورای متحده حل و فصل می‌گردد که از فرماندار شهرستان و نمایندگان سازمانهای انقلابی توده ای تشکیل شده است. این شورا که از طرف فرماندار دعوت می‌شود، در فرمانداری شهرستان تشکیل می‌گردد. در بعضی از شهرستانها آنها را "شورای متحده حکومت محلی و سازمانهای توده ای" می‌نامند، و در برخی دیگر "شورای امور شهرستان". در این شوراها علاوه بر فرماندار نمایندگان سازمانهای شهرستانی زیر هم شرکت دارند: اتحادیه دهقانی، اتحادیه کارگری، اتحادیه بازرگانان، سازمان زنان، اتحادیه معلمان و کارمندان مدارس، سازمان دانش آموزان، کمیته شهرستانی گومیندان (19). در جریان این جلسات فرماندار تحت تاثیر نظرات نمایندگان سازمانهای توده ای قرار می‌گیرد و سرانجام همیشه به میل و اراده آنها تن در می‌دهد. تردیدی نیست که در حونان برای ارگانهای قدرت در شهرستانها می‌توان سیستم دمکراتیک کمیته ای را پذیرفت. ارگانهای کنونی قدرت در شهرستانها چه از لحاظ شکل و چه از لحاظ ماهیت بسیار دمکراتیک شده اند. چنین وضعی فقط در دو سه ماه اخیر پدید آمده است یعنی از زمانی که دهقانان در سراسر روستا برخاسته و قدرت مستبدین محلی و متنفذین شریر را در هم شکسته اند. تنها هنگامی که حکام شهرستان مشاهده کردند که پشتیبانان قدیمی آنها سرنگون شده اند و نمی‌توانند بدون پشتیبانان جدید در مقام خود باقی بمانند، کوشیدند عنایات سازمانهای توده ای را نسبت به خود جلب کنند. همین امر موجب پیدایش وضعی شد که ما در بالا شرح دادیم.

2 - قضات مواردی برای قضاوت ندارند. سیستم قضائی حونان هنوز به این صورت است که حاکم شهرستان خود به کار قضاوت می‌پردازد و قاضی در امور محاکمه به او کمک می‌کند. حاکم شهرستان و زیر دستانش از طریق سوءاستفاده در زمینه دریافت مالیات و عواید، از طریق تقلب و اخاذی در احضار اهالی به خدمت نظام، و در رفق و فتق امور مدنی و جنائی مال اندوزی می‌کردند. این شیوه اخیر سرچشمه عواید مستمر و مطمئنی برای آنها بود. در جریان ماههای اخیر با سقوط مستبدین محلی و متنفذین شریر و کلای چاچول باز نیز ناپدید شدند. و از آنجا که تمام امور دهقانان از کوچک و بزرگ اکنون از طرف مدارج مختلف اتحادیه های دهقانی حل و فصل می‌شود، قضات ادارات شهرستان واقعا دیگر مواردی برای قضاوت ندارند. قاضی شهرستان سیان سیان روزی به من گفت: "آن زمان که اتحادیه دهقانی هنوز وجود نداشت، هر روز به‌طور متوسطی 60 موضوع مدنی و جنائی به ادارات شهرستان می‌رسید، ولی از وقتی که اتحادیه ها ایجاد شده اند، به‌طور متوسط فقط روزی چهار تا پنج موضوع می‌رسد." از این جهت کیسه حاکم شهرستان و زیر دستانش باید خالی بماند.

3 - افراد گارد، پلیس و مامورین اجرای شهرستان همه ناپدید شده اند و جرئت ندارند به دهات بروند و به اخاذی بپردازند. سابقا روستائیان از شهرها وحشت داشتند ولی اکنون جریان برعکس شده است. به‌خصوص پلیس و افراد گارد و مامورین اجرا - این سگان پلید که دست پروردگان مقامات شهرستانند - از رفتن به دهات می‌ترسند و وقتی هم در دهات ظاهر می‌شوند، دیگر جرئت اخاذی ندارند. آنها به محض این که چشم شان به نیزه های دهقانان می‌افتد، از وحشت بر خود می‌لرزند.

7 - در هم شکستن اقتدار قبیله ای معبد نیاکان و رئیس قبیله، در هم شکستن اقتدار مذهبی خداوند پاسدار شهر و خداوند محلی، در هم شکستن اقتدار شوهران

در چین مردان معمولا در زیر سه سیستم اقتدار قرار گرفته اند: 1 - سیستم دولتی (قدرت سیاسی): ارگانهای قدرت در مقیاس کشور، استان، شهرستان و دهستان؛ 2 - سیستم قبیله ای (قدرت قبیله ای): معبد نیاکان قبیله، معبد نیاکان دودمانان، روسای خانواده؛ 3 - سیستم قدرتهای مافوق طبیعت (قدرت مذهبی) که در هیرارشی زیر زمینی: از مالک الرقاب دوزخ گرفته تا خداوند پاسدار شهر و خداوند محلی، و در هیرارشی آسمانی: از مالک الرقاب آسمان گرفته تا خدایان و ارواح گوناگون تشکیل شده است؛ این نیروها در مجموع تمام سیستم قدرت ماورطبیعت را تشکیل می‌دهند. اما زنان علاوه بر اینها در زیر اقتدار مردها (قدرت شوهران) هم قرار دارند. این چهار شکل قدرت - سیاسی، قبیله ای، مذهبی و شوهری مبین مجموعه ایدئولوژی و سیستم فئودالی - پدر شاهی است و چون چهار ریسمان کلفتی است که خلق چین و به‌ویژه دهقانان را در بند کرده است. در پیش نشان دادیم که چگونه دهقانان قدرت مالکان ارضی را در روستا در هم شکستند. قدرت مالکان ارضی ستون فقرات تمام سیستمهای قدرتی است. با خرد شدن قدرت مالکان ارضی، قدرتهای قبیله ای، مذهبی و شوهری همگی متزلزل می‌شوند. در جائیکه اتحادیه دهقانی نیرومند است، رئیس قبیله و صندوقدار معبد نیاکان دیگر جرئت ندارند با کوچکان قبیله بد رفتاری کنند و پولهای معبد را به جیب بزنند. زیانکارترین آنها مانند مستبدین محلی و متنفذین شریر سرنگون شده اند. آنها دیگر جرئت نمی‌کنند به تنبیهات بدنی غیر انسانی و همچنین به مجازاتهای اعدام که سابقا معمول بود مانند شلاق زدن، زنده در آب غرق کردن، زنده به‌گور کردن دست زنند. رسم کهنه ای که بنابر

آن زنان و مستمندان در معبد نیاکان حق شرکت در طعام مذهبی رانداشتند ، نیز منسوخ شده است . در ناحیه بای گو واقع در شهرستان حن شان انبوه زنان به معبد وارد شدند و بدون رودربایستی نشستند و به خوردن و نوشیدن مشغول شدند ، و ریش سفیدان قبیله چاره ای نداشتند جز اینکه آنها را به حال خود واگذارند . در نقطه دیگر گروهی از دهقانان فقیر که از شرکت در این طعام مذهبی محروم بودند ، به معبد وارد شدند و سیر خوردند و نوشیدند ، به طوری که مستبدین محلی و منتفدین شریر – این آقایان جامه بلند – وحشت زده فرار را برقرار ترجیح دادند . همراه با رشد جنبش دهقانی قدرت مذهبی هم از هر سو فرو می ریزد . اتحادیه های دهقانی در بسیاری نقاط معابد خدایان را اشغال نمودند و از آنها برای تشکیل جلسات اتحادیه استفاده کردند . آنها در همه جا مصادره املاک و اموال معابد را مطالبه می کنند تا بتوانند مدارس دهقانی تاسیس نمایند و مخارج اتحادیه های دهقانی را تامین کنند ؛ آنها این عواید را "عواید خرافات" می نامند . در شهرستان لی لینگ جنبش به خاطر از بین بردن رسوم خرافی و شکستن مجسمه های مقدس از هم اکنون دامنه نسبتاً وسیعی به خود گرفته است . در نواحی قسمت شمال این شهرستان دهقانان قدغن کرده اند که دسته ها از خانه ای به خانه دیگر بروند و برای احترام به خداوند خانه (خداوند سلامتی) عود بسوزانند . در معبد تائوئی فوه پوه لین واقع در لوکو تعداد زیادی مجسمه مقدس وجود داشت ، اما از آنجا که گومندان جای کافی برای کمیته بخش نداشت ، آنها را از کوچک و بزرگ در گوشه ای روی هم ریخت و دهقانان اعتراضی به این کار نکردند . از آن پس هر وقت که کسی از خانواده ای می مرد ، خیلی به قدرت اتفاق می افتاد که برای خدایان قربانی کنند ، مراسم مذهبی انجام دهند و چراغهای مقدس پیشکش نمایند . مبتکر این جنبش سون سیانو شان که صدر یک اتحادیه دهقانی بود ، شدیداً مورد کینه راهبان تائوئی محل قرار گرفت . در سومین ناحیه شمال در معبد الهه لون فون دهقانان و آموزگاران مجسمه های مقدس را شکستند و از چوب آنها برای طبخ گوشت استفاده کردند . در ناحیه جنوب محصلین و دهقانان بیش از سی مجسمه مقدس چوبی معبد دون فو را سوزاندند و فقط دو مجسمه کوچک "باوگون" مصون ماند که دهقان پیری آنها را برداشت و گفت : "کفر نکنید !" در نقاطی که قدرت دهقانی مسلط است ، فقط دهقانان سالخورده و پیر زنان به اعتقادات خود باقی مانده اند و دهقانان جوان و سالمند از اعتقادات مذهبی خود دست برداشته اند . از آنجا که اتحادیه های دهقانی در دست آنهاست ، این اتحادیه ها در همه جا فعالیت می کنند تا قدرت مذهبی و خرافات را در هم شکنند . اما درباره اقتدار شوهر – این اقتدار در بین دهقانان فقیر همیشه ضعیف تر بوده است ، زیرا که وضع اقتصادی ایجاب می کند که زنان آنها بیشتر از زنان طبقات مرفه در کار شرکت جویند . از این رو زنان در امور خانوادگی بیشتر حق اظهار نظر و حق اتخاذ تصمیم دارند . طی سالهای اخیر به علت ورشکستگی روزافزون اقتصاد روستائی پایه اصلی تسلط مرد بر زن ویران شده است . با پیدایش جنبش دهقانی زنان اکنون در بسیار نقاط به ایجاد سازمانهای روستائی زنان دست زده اند . اکنون زمانی فرا رسیده است که آنها می توانند سر بلند کنند ، و اقتدار شوهر روز به روز متزلزلتر می شود . به طور خلاصه مجموعه ایدئولوژی و سیستم فئودالی – پدر شاهی در برابر بسط اقتدار دهقانان دستخوش تزلزل می گردد . معذک فعلاً مساعی دهقانان به طور عمده مصروف انهدام قدرت سیاسی مالکان ارضی است . در جایی که این قدرت کاملاً منهدم شده ، دهقانان علیه سیستم قبیله ای ؛ علیه سیستم مذهبی ، علیه اسارت زن توسط مرد در خانواده شروع به حمله کرده اند . معهداً این تعرض هنوز در مرحله "مقدماتی" است ، و این سه سیستم را فقط زمانی می توان کاملاً از بین برد که دهقانان در مبارزه اقتصادی به پیروزی قطعی رسیده باشند . به همین جهت ما اکنون باید دهقانان را راهنمایی کنیم که حداکثر کوشش خود را در راه مبارزه سیاسی به خاطر سرنگونی کامل قدرت مالکان ارضی به کار برند . سپس باید بدون تأمل مبارزه اقتصادی را برای حل ریشه ای مسئله زمین و سایر مسائل اقتصادی دهقانان فقیر آغاز کرد . در مورد سیستم قبیله ای ، خرافات و عدم تساوی میان زن و مرد باید گفت که از بین بردن اینها نتیجه طبیعی پیروزی در مبارزات سیاسی اقتصادی خواهد بود . بر عکس هر گاه ما بیش از حد کوشش به خرج دهیم که آنها را جبرا و بی موقع از بین ببریم ، مستبدین محلی و منتفدین شریر آنرا برای تبلیغات ضد انقلابی خود بهانه قرار خواهند داد و خواهند گفت که "اتحادیه های دهقانی به نیاکان احترام نمی گذارند" ، "اتحادیه های دهقانی خدایان را به مسخره می گیرند و مذهب را نابود می کنند" ، "اتحادیه های دهقانی می خواهند زن را اشتراکی کنند" و اینها همه به خاطر خرابکاری در جنبش دهقانی است . نمونه روشن این امر در حوادثی که اخیراً در شهرستان سیان سیان واقع در استان جونان و شهرستان یان سین واقع در استان حوبه روی داده و مالکان ارضی آنجا از مخالفت دهقانان با انهدام مجسمه های مقدس سوء استفاده کرده اند ، در اختیار ماست . این مجسمه ها را دهقانان خود برپا کرده اند و زمانی فرا خواهد رسید که خودشان با دست خود آنها را سرنگون سازند . لازم نیست که دیگران پیش از موقع به جای آنها به این کار بپردازند . در زمینه تبلیغاتی ، سیاسی که حزب کمونیست در مورد این مسئله باید از آن پیروی کند ، اینست : "کمان را بکش ولی تیر را رها مکن ، فقط شیوه عمل را نشان بده." (20) این دهقانان هستند که باید مجسمه های مقدس ، معابد دخترانی که

برای دفاع از ناموس خود مرده اند ، و طاق هائی که به افتخار بیوه زنان پاکدامن و با وفا برپا کرده اند ، منهدم سازند . اشتباه خواهد بود اگر در این کار دیگران خود را به جای دهقانان بگذارند .

وقتیکه من در روستا بودم ، من هم علیه خرافات در میان دهقانان تبلیغ می‌کردم . من می‌گفتم : "اگر به طالع بینی اعتقاد دارید برای آنست که به سرنوشت بهتری امیدوارید ؛ اگر به فال خاک اعتقاد دارید برای آنست که به تاثیر نیک مقبره نیاکان امیدوارید . امسال در ظرف چند ماه مستبدین محل و متنفذین شریر و مامورین فاسد و مختلس همه سرنگون گردیدند . آیا ممکن است که تا چند ماه پیش بخت و اقبال به آنها لبخند می‌زده و مقبره نیاکان به حال آنها مساعد بوده ، اما در این ماههای اخیر بخت یکباره از آنها برگشته و مقبره نیاکان آنها دیگر تاثیر نیک نبخشد ؟ مستبدین محلی و متنفذین شریر اتحادیه های دهقانی شما را با این عبارات مورد مسخره قرار می‌دهند : "واقعا عجیب است ! دنیای امروزه متعلق به اعضای کمیته است . نگاه کنید انسان نمی‌تواند حتی برای ادرار کردن خارج شود بدون آنکه به آنها بر بخورد" . و این حقیقتی است ؛ در شهر ، در روستا ، در اتحادیه های کارگری ، اتحادیه های دهقانی ، در گومبدان ، در حزب کمونیست در همه جا اعضای کمیته های اجرایی هستند ؛ واقعا دنیای امروز دنیای اعضای کمیته هاست . اما آیا این امر مربوط به طالع یا مقبره نیاکان است ؟ عجب ! طالع هر یک از این سیه روزان روستا بغتنا مقبره نیاکان آنها به حالشان مساعد می‌گردد . و خدایان ؟ آنها را می‌توان پرسید . اما اگر شما فقط خداوند گوان و الهه بخشنده می‌داشتید و نه اتحادیه های دهقانی ، آیا می‌توانستید مستبدین محلی و متنفذین شریر را سرنگون سازید ؟ اینها خدایان و الهه های حقیری هستند ، شما قرنهای آنها را پرستش کرده اید ولی هیچیک از آنها برای خوشایند شما حتی یک مستبد محلی و یک متنفذ شریر را هم سرنگون نساخت ! اکنون شما می‌خواهید که بهره مالکانه تقلیل یابد ، من می‌خواهم از شما سؤال کنم : چگونه در نظر دارید به این کار توفیق یابید ؟ با اعتقاد به خدایان یا با اعتقاد به اتحادیه های دهقانی ؟"

گفته های من دهقانان را به خنده در آورد .

8 - توسعه تبلیغات سیاسی

آیا ممکن بود حتی با ایجاد ده هزار مدرسه علوم قضائی و سیاسی در اندک زمانی همه را از زن و مرد ، پیر و جوان در دهات دور دست و در دورافتاده ترین گوشه ها از لحاظ سیاسی تربیت کرد ، آن‌گونه که اتحادیه های دهقانی تربیت کردند ؟ من فکر نمی‌کنم . شعار های سیاسی "مرگ بر امپریالیسم!" "مرگ بر دیکتاتور های نظامی!" "مرده باد مامورین فاسد و مختلس!" ، "مرده باد متنفذین شریر و مستبدین محلی!" پر گرفتند و در دهات بی‌شماری در میان توده های جوانان ، مردان ، پیران ، کودکان و زنان راه یافتند ، در ذهن آنان نقش بستند و سرانجام بر سر لبهای آنان افتادند . مثلا گروهی از کودکان را که به بازی مشغولند ، در نظر بگیرید ، وقتیکه یکی از آنها با دیگری نزاع می‌کند ، چشمان خود را فراخ باز می‌نماید ، پا بر زمین می‌کوبد ، مشت به هوا حواله می‌دهد ، شما یقینا صدای نافذی را می‌شنوید : "مرگ بر امپریالیسم!"

در شهرستان سیان تن وقتی کودکان گاوچران جنگ بازی می‌کنند ، یکی از آنها تان شن جی می‌شود و دیگری به کای سین (21) و بعد یکی از آن دو مغلوب می‌شود و دیگری او را تعقیب می‌کند ، فاتح همیشه تان شن جی است و فراری به کای سین . سرود "مرده باد قدرتهای امپریالیستی !.. " را نه تنها همه کودکان شهر و حتی بسیاری از کودکان روستا نیز می‌توانند بخوانند . در روستا بعضی از دهقانان می‌توانند حتی وصیت نامه دکتر سون یات سن را از حفظ بخوانند . آنها از این وصیت نامه کلمات یا عباراتی مانند "آزادی" ، "برابری" ، "سه اصل خلق" ، "قراردادهای نامساوی" را بیرون می‌کشند و آنها را به صورت خشک در زندگی روزمره به کار می‌برند . روزی مردی که قیافه مالک داشت ، در جاده باریکی به دهقانی برخورد . مرد باد در غیغب انداخت و به دهقان امکان عبور نداد ، دهقان خشمگین ، فریاد کشید "برو گمشو ، مستبد محلی ، متنفذ شریر مگر تو از سه اصل خلق خبر نداری ؟" سبزی‌کاران اطراف چان شا وقتی سبزی خود را به شهر می‌آوردند ، پیوسته مورد اذیت و آزار پلیس قرار می‌گرفتند . اما اکنون آنها سلاحی یافته اند ، این سلاح همان سه اصل خلق است . هنگامی که افراد پلیس آنها را می‌زنند یا به آنها دشنام می‌گویند ، سبزی‌کاران فوراً برای دفاع به سه اصل خلق توسل می‌جویند و دهان افراد پلیس را می‌بندند . زمانی در سیان تن اتحادیه دهقانی یک بخش بر سر موضوعی با اتحادیه دهقانی یک دهستان اختلاف پیدا کرده بود ؛ صدر اتحادیه اخیر اعلام می‌کرد : "ما مخالف قراردادهای نامساوی هستیم که اتحادیه دهقانی بخش می‌خواهد به ما تحمیل کند !"

توسعه تبلیغات سیاسی در سراسر روستا فقط در خدمت حزب کمونیست و اتحادیه های دهقانی است . شعارها ، تصاویر و سخنرانیهای ساده در میان دهقانان چنان تاثیر سریع و عمیق به جای گذارده اند که چنین به نظر می‌رسد

هر یک از آنها در مدرسه سیاسی پرورش یافته است. بنابر گزارشهایی رفقای مامور کار در روستا داده اند، تبلیغات سیاسی در سه میتینگ توده ای بزرگ تعمیم بسیار یافته است - تظاهرات ضد انگلیسی، مراسم سالگرد انقلاب اکتبر و مراسم جشن بزرگ پیروزی لشکرکشی به شمال. در جریان این میتینگ ها در هر جا که اتحادیه های دهقانی وجود داشت، تبلیغات سیاسی وسیعی به عمل آمد و تمام روستاها را به حرکت درآورد و ثمرات بزرگی داد. در آینده باید توجه داشت که از تمام امکانات استفاده کرد و به شعارهای ساده فوق الذکر مضمونی غنی تر و مفهومی روشن تر داد.

9- ممنوعیت هایی که دهقانان معین کرده اند

به محض آنکه اتحادیه های دهقانی زیر رهبری حزب کمونیست اقتدار خود را در روستا برقرار نمودند، دهقانان هر آنچه که به نظرشان ناخوشایند بود، قدغن کردند یا محدود ساختند. ورق "ماجیان"، قماربازی، تریاک کشی سه چیزی است که اکیدا ممنوع شدند.

"ماجیان" و غیره. در جایی که اتحادیه های دهقانی نیرومندند، "ماجیان"، دومینو و ورق بازی به کلی ممنوع گردیده است.

در ناحیه 14 شهرستان سیان سیان اتحادیه دهقانی بخش 2 سبد پر از وسائل بازی "ماجیان" را سوزانید. اگر شما به روستا بروید خواهید دید که اثری از این بازی ها نیست و آنهایی که برخلاف دستور عمل می کنند، بلافاصله و بدون کوچکترین اغماض تنبیه می شوند.

قماربازی. "قماربازان" سابق خودشان قماربازی را منع می کنند. در جایی که اتحادیه های دهقانی نیرومندند، قماربازی نیز کاملا از بین رفته است.

تریاک کشی. کشیدن تریاک اکیدا ممنوع است. هنگامی که اتحادیه های دهقانی فرمان دادند که همه وافورها را تحویل دهند، هیچکس جرئت نکرد از آن ذره ای سرپیچی کند. در لی لین یک متنفذ شریر که وافور خود را تحویل نداده بود، توقیف گردید و دور ده گردانیده شد.

پیکار "خلع سلاح تریاک ها" از جانب دهقانان، از لحاظ شدت به هیچوجه دست کمی از پیکار خلع سلاح سپاهیان او پی فو و سون چوان فان (22) توسط ارتش لشکرکشی به شمال نداشت. "اشخاص زنده باد برایشان کشیده شده" (متنفذین شریر از روی تمسخر به دهقانان زنده باد می گویند) بسیاری از پدران پیر محترم افسران ارتش انقلابی را که به تریاک اعتیاد شدید داشتند و نمی توانستند از وافورهای خود بگذرند، "خلع سلاح" کردند. این اشخاص نه تنها گشت خشخاش و کشیدن تریاک بلکه حمل و نقل آنرا نیز قدغن کردند. مقادیر هنگفتی تریاک که از استان گوی جو از طریق بائو چین، سیان سیان، یو سیان و لی لین به استان جیان سی حمل می شد، ضبط و سوزانیده شد. اما این کار عواید دولت را تقلیل داده است. سرانجام اتحادیه های دهقانی این استان با توجه به لزوم تامین وجه ارتش لشکرکشی به شمال به اتحادیه های دهقانی مدارج پائین دستور داد که "موقتا اجرای دستور منع حمل و نقل تریاک را به تاخیر اندازند". معذالک دهقانان از این کار سخت ناراضی بودند. علاوه بر این سه مورد آنچه که دهقانان ممنوع و یا محدود کرده اند، زیادند. ما بعضی از آنها را در زیر می آوریم:

"حواگو". نوعی تئاتر مبتذل است که در بسیاری از نقاط ممنوع گردیده است.

تخت روان. در بسیاری از شهرستانها، به ویژه در سیان سیان اتفاق می افتاد که تخت روان ها را می شکستند. دهقانان از کسانی که از تخت روان استفاده می کنند، سخت منزجرند و دائما مترصدند که این تخت روان ها را بشکنند، ولی اتحادیه های دهقانی آنان را از این کار منع می کنند. مسئولین اتحادیه های دهقانی به دهقانان توضیح می دهند: "شما با شکستن تخت روان ها فقط به ثروتمندان امکان می دهید که کمتر پول خرج کنند، در عین حال حاملین تخت روان را محکوم به بی کاری می کنید. این کار به چه کسی جز خودتان زیان می رساند؟" دهقانان موضوع را به خوبی درک نمودند و وسیله دیگری ابداع کردند: آنها برای تنبیه ثروتمندان مالیات تخت روان ها را به مقدار زیادی بالا بردند.

تهیه الکل و قند. دهقانان در همه جا استفاده از غلات را برای تهیه الکل و قند ممنوع ساختند. و این امر موجب شکایات پی درپی تهیه کنندگان الکل و قند گردید. در فوتیان پو واقع در شهرستان حن شان دهقانان تهیه الکل را ممنوع نکردند بلکه قیمت فروش آنرا بسیار پائین آوردند که تهیه کنندگان مشروبات الکلی دیگر سودی از این کار نمی بردند، مجبور شدند از این کار صرف نظر کنند.

خوکها. تعداد خوکهایی که هر خانواده می تواند پرورش دهد، محدود گردید، زیرا که برای تغذیه آنها غله لازم است.

مرغ و مرغابی . در سیان سیان پرورش مرغ و مرغابی ممنوع گردیده است . این امر موجب اعتراض زنان شد . در یان تان واقع در شهرستان حن شان هر خانواده مجاز است سه مرغ یا مرغابی داشته باشد و در فوتیان پو پنج مرغ یا مرغابی . در بسیار از نقاط پرورش مرغابی اکیدا ممنوع است زیرا که نه فقط برای نگهداری آنها غله لازم است بلکه آنها نهالهای برنج را از بین می‌برند و بنابراین از مرغ هم بدترند .

ضیافت ها . ضیافت های پر تجمل در همه جا ممنوع گردیده است . در شانو شان واقع در شهرستان سیان تن تصمیم گرفته شد که در میهمانی ها فقط غذای مرغ ، ماهی و خوک داده شود . خوردن غذاهایی که با نهال خیزران و اشنه دریائی و رشته پلو تهیه می‌شود ، ممنوع است . در شهرستان حن شان در هر ضیافت تعداد غذاها نباید از هشت تجاوز کند . در سومین ناحیه شرق شهرستان لی لین فقط می‌توان پنج نوع غذا خورد ، در دومین ناحیه شمال سه نوع غذای گوشت و سه نوع سبزی ، در سومین ناحیه غرب ضیافتهای سال نو ممنوع گردیده است . در شهرستان سیان سیان "ضیافت کوکوی تخم مرغ" ممنوع شده با این که این ضیافت دیگر مجلل نیست . موقعی که یک خانواده در دومین ناحیه سیان سیان برای عروسی پسر خود چنین ضیافتی ترتیب داد ، گروهی از دهقانان به منزل او که دستور را نقض کرده بود ، ریختند و ضیافت را به هم زدند . در شهر کوچک جیامو واقع در شهرستان سیان سیان از اغذیه گران قیمت پر هیز می‌نمایند و به جای قربانی برای نیاکان میوه خیرات می‌کنند . گاو . گاو برای دهقانان گنجی است . ضرب المثل "هرکس گاو را بکشد ، در زندگی آینده به شکل گاو در می‌آید" کاملا در حکم دستور مذهبی است . از این جهت هیچوقت نباید گاو را کشت . دهقانان پیش از رسیدن به قدرت نمی‌توانستند جز با تشبث به آئین مذهبی از کشتار گاو جلوگیری کنند ، چون قدرتی برای ممنوع ساختن این عمل نداشتند . از موقعی که اتحادیه های دهقانی روی کار آمدند ، حتی این حیوانات را هم زیر نظارت خود در آوردند و کشتار آنها را در شهر ممنوع ساختند . از شش گوشت فروشی مرکز سیان تن اکنون پنج تای آنها بسته شده و تنها یک گوشت فروشی باقی مانده و آنهم گاوی را کشتار می‌کند که به علت بیماری و یا از دست دادن نیروی کار دیگر ببرد کاری نخورد . در سراسر شهرستان حن شان کشتار گاو اکیدا ممنوع گردیده است . دهقانی که پای گاوش شکسته بود ، قیل از این که جرات بکند گاو را بکشد ، از اتحادیه دهقانی اجازه خواست . هنگامی که اطاق تجارت جوجو گاوی را بدون اندیشیدن به نتایج آن ذبح کرد ، دهقانان به شهر آمدند و توضیح خواستند و اطاق تجارت مجبور شد جریمه بپردازد و با ترکاندن ترقه معذرت بخواهد .

ولگردی . در شهرستان لی لین تصمیم گرفته شد که گدائی از طرق طبل زدن به مناسبت سال نو ، ستودن خدایان محلی و آواز خواندن به آهنگ قاشقک ممنوع شود . در شهرستانهای مختلف دیگر هیچکس به این نوع گدائی دست نمی‌زند - حال چه ممنوع شده باشد و چه خود به خود از میان رفته باشد . "گدایان قلمچاق" یا "ولگردان" که معمولا خیلی گردن کلفتی می‌کردند ، اکنون مجبورند در برابر اقتدار اتحادیه های دهقانی سرتسلیم فرود آورند . در شانو شان واقع در شهرستان سیان تن ولگردان بدون این که از کسی بترسند ، معبد خداوند باران را پاتوغ خود کرده بودند ؛ ولی وقتی که اتحادیه های دهقانی تشکیل شدند ، همه آنها بی سرو صدا آنجا را ترک گفتند . در همین شهرستان اتحادیه دهقانی دهستان حوتی سه ولگرد را گرفت و مجبور ساخت برای کوره آجرپزی خاک رس حمل کنند . برای منع رسوم مذموم دید و بازدید سال نو نیز تصمیماتی اتخاذ شده است .

به علاوه در نقاط مختلف یک سلسله ممنوعیت های کوچک اعلام گردیده است : در شهرستان لی لین مثلا به راه انداختن دسته و سوزاندن عود به احترام خداوند سلامتی ، خرید تنقلات و میوهجات برای هدیه ، سوزاندن البسه کاغذی در روز عید مردگان به خاطر تسکین ارواح و الصاق تصویر خداوندان نگهبان خانه در موقع سال نو ممنوع گردیدند . در ناحیه گوشوی واقع در شهرستان سیان سیان حتی استعمال قلیان هم ممنوع شد . در ناحیه 2 همین شهرستان استعمال ترقه و فشقه سه سوراخه قدغن شده است ؛ در مورد اول جریمه آن 1.20 یوان و در مورد دوم 2.40 یوان است . انجام مراسم مذهبی در ناحیه 7 و 20 و هدایای پولی برای دفن در ناحیه 18 ممنوع گردیده است . همه اینها را می‌توان در یک کلام ممنوعیت های دهقانی خواند ؛ این ممنوعیت ها به اندازه ای زیادند که شمارش تمام آنها ممکن نیست .

این ممنوعیت ها از دو نظر دارای اهمیت فراوانند : اولاً مبین عصیان علیه عادات اجتماعی مضر مانند بازی ماجیان ، قماربازی و تریاک کشی است . این عادات از محیط سیاسی فاسد طبقه مالکان ارضی برمی‌خیزد و با فرو ریختن اقتدار مالکان ارضی از بین می‌رود . ثانیاً دفاع از خود در برابر استثمار بازرگانان شهرهاست ، مثلا ممنوعیت ترتیب ضیافت ها ، خرید تنقلات و میوهجات برای هدیه و غیره . از آنجا که قیمت محصولات صنعتی بسیار گران و قیمت محصولات کشاورزی بسیار ارزان است و دهقانان در فقر زیاد به سر می‌برند و از طرف بازرگانان بی‌رحمانه استثمار می‌شوند ، دهقانان برای دفاع از خود مجبورند در همه چیز صرفه جوئی توصیه کنند . اما ممنوعیت صدور غله که در بالا از آن سخن رفت ، از این امر ناشی می‌شود که دهقانان فقیر که خود به

اندازه کافی غله ندارند، مجبورند آنرا در بازار بخرند و از این رو می‌خواهند از افزایش قیمت غله جلوگیری نمایند. اینها همه از فقر دهقانان و تضاد میان شهر و روستا ناشی می‌شود و به هیچوجه به معنی آن نیست که دهقانان محصولات صنعتی را تحریم می‌کنند و از داد و ستد با شهر خودداری می‌ورزند تا از دگرترین تمدن شرق (23) پیروی کرده باشند. دهقانان باید به منظور دفاع از منافع اقتصادی خود کنوپراتیوهای مصرفی ایجاد کنند تا مشترکاً کالاهای مصرفی خود را خریداری نمایند. برای این که اتحادیه های دهقانی بتوانند کنوپراتیوهای اعتباری (برای وام دادن) ایجاد کنند، کمک دولت نیز ضروری است. واضح است که در این صورت دهقانان احتیاجی نمی‌بینند که صدور غلات را به خاطر جلوگیری از افزایش قیمت آن ممنوع سازند و یا به خاطر دفاع از منافع اقتصادی خود از ورود پاره ای محصولات صنعتی به روستا جلوگیری نمایند.

10 - برانداختن راهزنی

من تصور می‌کنم که در چین از زمان یو، تان، وین و اوو گرفته تا امپراطوری سلسله تسین و روسای جمهوری چین هرگز زمامداران برای برانداختن راهزنی از چنین قدرتی بهره مند نبوده اند اکنون اتحادیه های دهقانی بهره مندند. در آنجائی که اتحادیه های دهقانی نیرومندند، اثری از راهزنان نیست. جالب توجه اینست که در بسیاری از نقاط حتی از دزدان سبزیجات نیز اثری مشاهده نمی‌شود. البته در گوشه و کنار هنوز دزدانی یافت می‌شوند. اما در تمام شهرستانهایی که من دیدن کردم و حتی در آنجائی که سابقاً پر از راهزنان بود، بساط راهزنی به کلی برچیده شده است. علت این امر چنین است: 1 - راهزنان جایی برای اختفاء نمی‌یابند، زیرا در همه جا، در کوه ها و دره ها اعضای اتحادیه های دهقانی وجود دارند و به اولین دعوت صدها "نیزه بلند" و "چوب دست کوتاه" آماده می‌شوند؛ 2 - با رشد جنبش دهقانی قیمت غله کاهش یافته است. در بهار گذشته قیمت یک "دن" (24) برنج پوست نکنده شش یوان بود، در زمستان گذشته قیمت آن تا دو یین پائین آمد - و از این رو مسئله تامین خواربار اهالی دیگر دارای آن حدت سابق نیست؛ 3 - اعضای جمعیت های مخفی (25) به اتحادیه های دهقانی وارد شدند؛ آنها می‌توانند در آنجا آشکارا و به طور قانونی نقش قهرمان را بازی کنند، و نارضائی های درونی خود را ابراز دارند، بدین ترتیب سازمانهای مخفی "کوه"، "معبد"، "عود" و "رودخانه" (26) علت موجودیت خود را از دست داده اند. آنها با کشتن خوکها و گوسفندان مستبدین محلی و متنفذین شریر و با گرفتن اعانه های گزاف و جریمه های سنگین به اندازه کافی خشم خود را علیه این ستمگران ابراز داشته اند؛ 4 - ارتش ها به تعداد زیادی سرباز گرفته اند و بسیاری از "متخلفین" وارد ارتش شده اند. بدین ترتیب با اعتلای جنبش دهقانی راهزنی به کلی از بین رفته است. حتی متنفذین و ثروتمندان نیز این جنبه فعالیت اتحادیه های دهقانی را تأیید می‌کنند. آنها می‌گویند: "اتحادیه های دهقانی؟ باید انصاف داد که آنها جنبه مثبتی هم دارند."

منع ماجیان و قماربازی و تریاک کشی و همچنین برانداختن راهزنی تمایل عمومی را نسبت به اتحادیه های دهقانی جلب کرده است.

11 - لغو مالیاتهای کمرشکن

تا هنگامی که کشور به وحدت نرسیده و قدرت امپریالیسم و دیکتاتورهای نظامی سرنگون نگردیده، ممکن نیست که بتوان دهقانان را از زیر بار سنگین مالیاتهای دولتی و یا به عبارت صریحتر از زیر بار مخارج نظامی ارتش انقلابی بیرون کشید. معذالک همراه با اعتلای جنبش دهقانی و درهم شکستن اقتدار مستبدین محلی و متنفذین شریر مالیاتهای کمرشکن مانند مالیاتهای ارضی برحسب "مو" که در زمان اداره روستا به دست مستبدین محلی و متنفذین شریر بر دوش دهقانان سنگینی می‌کرد، یا لغو شده اند یا لاقط تخفیف یافته اند. جا دارد که این موضوع نیز جزء خدمات اتحادیه های دهقانی گذارده شود.

12 - جنبش فرهنگی

در چین همیشه فرهنگ از امتیازات مالکان ارضی بوده است و دهقانان در آن سهمی نداشته اند. معذالک مالکان ارضی فرهنگ خود را مدیون دهقانان اند، زیرا آنچه که فرهنگ مالکان ارضی را تشکیل می‌دهد با خون و عرق جبین دهقانان به دست آمده است، نه با چیز دیگر. نود در صد از مردم چین به فرهنگ دسترسی ندارند و در این میان دهقانان اکثریت عظیمی را تشکیل می‌دهند. با فرو ریختن قدرت مالکان ارضی در روستا جنبش فرهنگی

دهقانان آغاز گردیده است. ببینید دهقانان، دهقانی که همیشه از مدرسه بیزار بوده اند، اکنون با چه شوری مدارس شبانه را افتتاح می‌کنند. دهقانان هیچوقت از "مدارس سبک خارجی" خوششان نمی‌آمد. هنگامی که من محصل بودم، هر وقت که به ده برمی‌گشتم، مخالفت دهقانان را با این مدارس مشاهده می‌کردم من هم با محصلین و معلمین این مدارس همصدا می‌شدم، جانب آنان را می‌گرفتم و همیشه چنین احساس می‌کردم که دهقانان کم و بیش در اشتباهند. فقط در سال 1925 پس از آن که شش ماه در روستا گذراندم - من در آن موقع کمونست بودم و نظریات مارکسیستی را پذیرفته بودم - پی بردم که در اشتباه بوده‌ام و دهقانان حق داشته‌اند. در مدارس ابتدایی روستائی کتب درسی کاملاً از موضوع های مربوط به شهر پر بود و پاسخ‌گوی نیازمندیهای روستا نبود. به‌علاوه آموزگاران این مدارس با دهقانان برخورد خشن داشتند و به‌جای آنکه به دهقانان کمک کنند، تنفر دهقانان را علیه خویش برمی‌انگیختند. به همین جهت دهقانان مدارس نوع قدیم را (که "کلاسهای چینی" می‌نامیدند) بر مدارس نوع جدید (که "کلاسهای خارجی" می‌خواندند) ترجیح می‌دادند. به همین قسم آنها آموزگاران مدارس نوع قدیم را بر آموزگاران نوع جدید ترجیح می‌دادند. اکنون دهقانان با شوق زیادی مدارس شبانه را ایجاد می‌کنند و آنها را مدارس دهقانی می‌نامند. در بعضی نقاط این مدارس هم اکنون افتتاح شده‌اند و در نقاط دیگر در تدارک افتتاح آنها هستند. به‌طور متوسط هر دهستان دارای یک مدرسه است. دهقانان برای ایجاد آنها شور و شوق بسیاری از خود نشان می‌دهند و تنها چنین مدرسی را از آن خود می‌شمارند. مخارج اداره مدارس شبانه از "عواید خرافات"، از درآمد معابد نیاکان و از عواید و درآمدهای غیر اختصاصی برداشت می‌شود. ادارات آموزشی شهرستان در نظر داشتند کلیه این عواید را برای مدارس نوع جدید یعنی "مدارس سبک خارجی" که به نیازمندیهای دهقانان پاسخ نمی‌داد، مورد استفاده قرار دهند، در حالی که دهقانان می‌خواستند آنها را برای مدارس خود به مصرف رسانند، لذا پس از بحث تصمیم به تقسیم این عواید گرفته شد و در بعضی از نقاط این عواید به‌طور کامل در اختیار دهقانان قرار گرفت. همراه با رشد جنبش دهقانی سطح فرهنگی دهقانان به‌سرعت بالا رفت. آن زمان دور نیست که دهات این استان ده‌ها هزار مدارس برپا شود این امر با پرگوئیهای تحصیل‌کرده‌ها و به اصطلاح "مربیان" درباره "تعمیم آموزش" که علیرغم سرو صدائی که دائماً در اطراف آن به راه انداخته شد و هرگز جز باد هوا چیز دیگری نبود، هیچ وجه مشترکی ندارد.

13 - جنبش کنوپراتیوی

دهقانان واقعا به کنوپراتیوها احتیاج دارند به‌ویژه به کنوپراتیوهای مصرفی، فروش و اعتباری. دهقانان موقع خرید اجناس از طرف بازرگانان استثمار می‌شوند، موقع فروش محصولات خود بازرگانان سر آنان کلاه می‌گذارند و بالاخره وقتی پول یا برنج به قرض می‌گیرند از جانب ربا خواران استثمار می‌شوند، به همین جهت آنها در حل این سه مسئله علاقه شدیدی ابراز می‌دارند. زمستان گذشته هنگامی که به‌علت عملیات نظامی در دره رودخانه یانگ تسه راه تجارتي قطع گردید و قیمت نمک در حوان گران شد، تعداد زیادی از دهقانان کنوپراتیوهائی برای خرید نمک ایجاد کردند. از آنجا که مالکان ارضی از دادن قرضه به دهقانان خودداری می‌ورزند، در بسیاری از نقاط برای تاسیس "صندوق های تعاونی" کوشش هائی به‌عمل آمد. در حال حاضر مسئله عمده فقدان اساسنامه مفصل و نمونه برای چنین سازمان هائی است. این سازمانها که به ابتکار خود دهقانان در هر محل ایجاد می‌شود، غالباً با اصول کنوپراتیو مطابقت ندارد. بدین جهت رفقائی که با جنبش دهقانی سرو کار دارند، با علاقه زیاد دائماً سراغ چنین "اساسنامه ای" را می‌گیرند. جنبش کنوپراتیوی اگر از یک رهبری مناسب برخوردار گردد، متناسب با رشد اتحادیه های دهقانی در همه جا توسعه خواهد یافت.

14 - ترمیم جاده ها ، برکه ها و سدها

این نیز یکی از دست آوردهای اتحادیه های دهقانی است. پیش از پیدایش اتحادیه های دهقانی جاده‌های روستا فوق العاده خراب بود. بدون پول امکان نداشت به تعمیر آنها دست زد و پولداران از دادن وجوه لازم خودداری می‌کردند، بدین ترتیب جاده ها را کاملاً به‌حال خود و گذاشته بودند. اگر گاهی تعمیراتی صورت می‌گرفت، به‌عنوان امور خیریه تلقی می‌شد؛ از اشخاصی که مایل بودند "کار نیکی انجام دهند تا توشه آخرتشان باشد" مبلغ ناچیزی جمع آوری می‌کردند و با آن چند جاده تنگ و بد می‌ساختند. هنگامی که اتحادیه های دهقانی پدید آمدند، مقرر داشتند که هر مالک ارضی که املاکش در کنار جاده واقع است، باید تعمیر جاده را در آن قسمت برعهده گیرد، به‌علاوه در موارد مختلف بنابر احتیاج عرض جاده رانیز تعیین می‌نمودند: 3، 5، 7 "چی" یا یک "جان"

(27) . چه کسی جرئت داشت از اجرای این دستور سرپیچی کند ؟ در اندک زمانی جاده های خوب بسیاری ساخته شد . و این کار نه تحت عنوان امور خیریه بلکه از روی اجبار انجام می گرفت ؛ کمی از این قبیل اجبار به هیچ وجه بد نیست . در مورد برکه ها و سدها نیز وضع بدین منوال بود . مالکان ارضی بی رحم تمام فکر و ذکرشان این بود که هرچه می توانند بیشتر از چنگ دهقانان اجاره دار بدر آورند و هرگز کمترین خرجی برای تعمیر برکه ها و سدها نکنند . آنها بدون آنکه به چیز دیگری جز دریافت بهره مالکانه بیاندیشند ، برکه ها را در معرض خشک شدن قرار می دادند و دهقانان اجاره دار را به گرسنگی و قحطی محکوم می کردند . اکنون که اتحادیه های دهقانی وجود دارند ، می توان بدون رودربایستی به مالکان ارضی فرمان داد که برکه ها و سدها را تعمیر کنند . وقتی که مالکان از اجرای فرمان سرباز زدند ، اتحادیه دهقانی مودبانه به آنها می گوید : " بسیار خوب ! اکنون که شما نمی خواهید تعمیر را بر عهده بگیرید باید برنج بدهید ؛ یک دو" (28) در روز برای هر نفر ؟" اما مالکان که در این کار سودی برای خود نمی بینند ، با عجله به تعمیر برکه ها و سدها می پردازند . بدین سان تعداد زیادی از برکه ها و سدها که به حال خود رها شده بودند ، تعمیر گردیدند .

تمام این چهارده دست آورد بزرگ را دهقانان تحت رهبری اتحادیه های دهقانی انجام داده اند . خوانندگان خودتان در این باره تعمق کنید و بگوئید ، آیا در این دستاوردها چیزی که از لحاظ روح کلی و اهمیت انقلابی آنها بد باشد ، وجود دارد ؟ به نظر من فقط مستبدین محلی و متنفذین شریر می توانند آنها را بد بدانند ! شگفت آور است وقتی از نان چان (29) می شنویم که اعمال دهقانان حونان مقبول خاطر آقایان چانکایشک و جان جین جیان (30) و دیگران واقع نمی شود . رهبران راست حونان لیویو جی (31) و شرکاء که نیز دارای چنین عقیده ای هستند و همگی گفته اند : " این واقعا سرخ شده است " . اما بدون این حداقل سرخ شدن چگونه می توان از انقلاب ملی سخن راند ! وقتی که انسان روز و شب از " بیدار کردن توده های مردم " صحبت می کند ولی به محض این که توده های مردم واقعا بیدار شدند ، به ترس گشوده ای گرفتار می شود ، آیا این درست مثل داستان علاقه استاد "یه" به اژدها (32) نیست ؟

یادداشتها

- 1 - حونان در این دوره مرکز جنبش دهقانی چین بود .
- 2 - جائو هن تی ، عامل دیکتاتورهای نظامی شمال ، حکمران استان حونان بود و در سال 1926 توسط ارتش لشگرکشی به شمال سرنگون گردید .
- 3 - انقلاب 1911 انقلابی بود که سلطنت مطلقه سلسله تسین را برانداخت . در 10 اکتبر همین سال قسمتی از ارتش جدید سلطنت سلسله تسین تحت تاثیر سازمانهای انقلابی وقت بورژوازی و خرده بورژوازی در اوچان قیامی برپا ساخت . بدنبال آن در استانهای دیگر نیز قیامهایی به وقوع پیوستند و سلطنت سلسله تسین به سرعت سرنگون گردید . در روز اول ژانویه 1912 دولت موقتی جمهوری چین در نانکن تشکیل شد و سون یات سن به ریاست جمهوری موقت انتخاب گردید . این انقلاب از طریق وحدت بورژوازی ، دهقانان ، کارگران و خرده بورژوازی شهری به موفقیت انجامید . ولی چون گروه رهبری این انقلاب دارای خصلت سازشکارانه بود و نتوانست منافع واقعی دهقانان را برآورده سازد ، در اثر فشار امپریالیسم و نیروی فئودالها دستگاه دولتی به دست یوان شی کای ، یکی از دیکتاتورهای نظامی شمال افتاد و انقلاب دچار ناکامی گشت .
- 4 - " به جای راست کردن در جهت مخالف خم کردن " یک اصطلاح قدیمی چینی است که معنای اصلی آن تجاوز کردن از حد مجاز برای تصحیح اشتباه است . این اصطلاح را در زمانهای قدیم غالباً به معنای مذموم آن به کار می بردند تا فعالیت افراد را محدود نمایند و آنها را در جهت رفورم نظم موجود بکشانند و نه در جهت شکستن کامل آن . آنچه که حد و نظم را محترم می شمارد " راست " می خوانند و آنچه که هدفش در هم شکستن کامل نظم کهنه بود " خمیده " تلقی می گردید . این نوع تئوری مختص رفورمیستها و همچنین اپورتونیستهایی است که در صفوف انقلاب رخنه کرده اند . رفیق مائو تسه دون در اینجا این تئوری رفورمیستی را رد می کند . این عبارت از متن رفیق مائو تسه دون " برای اینکه بتوان چیزی را راست کرد باید اول آنرا در جهت مخالف خم نمود و گرنه نمی توان آنرا راست کرد " به این معنی است که برای خاتمه دادن به نظم کهنه فئودالی باید به شیوه های انقلابی عمل توده ها توسل جست و نه شیوه های روبزیونیستی - رفورمیستی .
- 5 - دهستان کوچکترین واحد اداری چین در آن زمان بود که چند ده را دربر می گرفت . - مترجم
- 6 - طی زمستان 1926 و بهار 1927 هنگامی که ارتش لشگرکشی به شمال به حوزه رودخانه یان تسه رسید ، چهره ضد انقلابی چانکایشک هنوز کاملاً افشا نشده بود و توده های دهقانی او را یک انقلابی می شمردند . اما مالکان ارضی و دهقانان مرفه از او ناراضی بودند . چنین شایعاتی پخش می کردند که ارتش لشگرکشی به شمال دچار شکست شده و چانکایشک پایش زخم برداشته است . چانکایشک به مثابه یک ضد انقلابی سیمایش فقط پس از کودتای ضد انقلابی 12 آوریل 1927 در شانگهای و نقاط دیگر هنگامی که کشتار کارگران ، سرکوب دهقانان و تعقیب حزب کمونیست را آغاز کرد ، کاملاً افشا گردید . پس از این کودتا مالکان ارضی و دهقانان مرفه روش خود را تغییر دادند و از او پشتیبانی نمودند .

- 7- گو وان دون در دوران نخستین جنگ داخلی (1924 - 1927) اولین پایگاه انقلابی بود
- 8- او پی فو یکی از نمایندگان سرشناس دیکتاتورهای نظامی شمال بود. او پی فو نیز مانند تسائو هون که در سال 1923 با انتخاب به مقام ریاست جمهوری مشهور گردید - انتخابی که توفیق در آن بزور پیشکشی های فراوان حاصل آمد - به دارودسته جی لی (حه به) دیکتاتورهای نظامی در شمال تعلق داشت. او پی فو از تسائو هون به عنوان سرکرده این دارودسته پشتیبانی می کرد و معاصرین آنها این هر دو را به نام "تسائو - او" می خواندند. پس از آنکه در سال 1920 دوان چی ژوی دیکتاتور نظامی دارودسته آن هوی را شکست داد، او پی فو به متابه عامل امپریالیسم انگلستان و آمریکا کنترل بر دولت دیکتاتورهای نظامی شمال را برای خود تامین کرد. 7 فوریه 1923 او پی فو کارگران راه آهن پکن - حان کو را که اعتصاب می کردند، قتل عام کرد و سپس در جنگ 1924 با جان زوه لین (معمولا این جنگ را "جنگ دارو دسته های جی لی و فون تیان" می نامیدند) شکست خورد و در نتیجه قدرت دولت پکن را از دست داد. در سال 1926 او به تحریک امپریالیستهای ژاپن و انگلستان با جان زوه لین اتحاد بست و همین امر به او امکان داد که دوباره قدرت را به دست آورد. او پی فو نخستین دشمنی بود از طرف ارتش لشگرکشی به شمال پس از آنکه این ارتش در سال 1926 گوان دون را ترک گفت، دچار شکست گردید.
- 9- سه اصل خلق اصول و برنامه سون یات سن در مسایل ناسیونالیسم، دموکراسی و رفاه خلق در انقلاب بورژوا - دموکراتیک چین است. در سال 1924 در مانیفست نخستین کنگره ملی گومیندان سون یات سن دوباره سه اصل خلق را فرمولبندی کرد و ناسیونالیسم را به متابه مبارزه با امپریالیسم تعبیر نمود و خود را هوادار پشتیبانی فعال از جنبش کارگری - دهقانی اعلام کرد و بدین ترتیب سه اصل قدیم خلق به سه اصل نوین خلق تبدیل گردید که حاوی سه اصل سیاسی اساسی بود: اتحاد با روسیه، همکاری با حزب کمونیست و پشتیبانی از دهقانان و کارگران. سه اصل نوین خلق که حاوی سه اصل سیاسی اساسی بود، در دوران نخستین جنگ داخلی انقلابی پایه سیاسی همکاری حزب کمونیست چین و گومیندان بود. برای توضیح بیشتر مراجعه کنید به «درباره دموکراسی نوین»، بخش 10، جلد دوم از «منتخب آثار مائو تسه دون».
- 10- در سال 1927 توده های دهقانی هنوز نمی دانستند که نباید دهقانان مرفه را به اتحادیه های دهقانی راه داد.
- 11- یوان، جیا نو، فن و وین همگی واحدهای پول چین بودند. سیستم پولی آن زمان چین عبارت بود از یوان، جیائو، فن و وین. یک یوان مساوی 10 جیائو و یک جیائو مساوی 10 فن بود، اینها به صورت سکه های نقره ای ضرب می شدند.
- یک یوان نقره ای حاوی 24 گرم نقره ناب بود. وین سکه مسی بود و چند وین مساوی بود با یک فن. مترجم
- 12- در گروه بیبویان که رفیق مائو تسه دون از آن سخن می گوید، کارگران کشاورزی (پرولترهای ده) و عناصر لومپن پرولتاریای روستا جای می گیرند.
- 13- صحبت بر سر نیمه پرولتاریای روستائی است.
- 14- دیکتاتور نظامی گوی جو که در قسمت غرب حوان لانه کرده بود.
- 15- در حوان "دو" و "توان" به ترتیب یعنی بخش و دهستان. ارگانهای اداری قدیم "دو" و "توان" وسایل بودند که مالکان ارضی برای اعمال تسلط خود بر دهقانان از آنها استفاده می کردند.
- 16- رژیم مالکان ارضی علاوه بر مالیاتهای ارضی منظم با دریافت عوارض از هر "مو" زمین دهقانان را بی رحمانه استثمار می کرد.
- 17- "دو جیون ها" روسای نظامی بودند که از طرف هیئت حاکمه دیکتاتورهای نظامی شمال در هر استان مستقر می گردیدند. دو جیون که در واقع دیکتاتور آن استان محسوب می شد، از قدرت سیاسی و نظامی کامل برخوردار بود. آنها با همدمستی امپریالیست ها در قلمرو خود نظام فئودالی - نظامی برقرار می کردند.
- 18- واحدهای دائمی گارد مزرعه یکی از انواع سازمانهای مسلح است که در آن موقع در روستا وجود داشت. صفت "مزرعه" به این معنی است که تقریباً هر خانواده دهقانی باید در گارد شرکت داشته باشد. "سازمانهای گارد مزرعه" پس از شکست انقلاب در سال 1927 در بسیاری نقاط بدست مالکان ارضی افتاد و به سازمانهای مسلح ضد انقلابی تبدیل گردید.
- 19- در آن دوران بسیاری از کمیته های شهرستانی گومیندان که در زیر رهبری کمیته اجرائیه مرکزی گومیندان (در او هان) قرار داشتند، سه اصل سیاسی اساسی سون یات سن یعنی اتحاد با روسیه، همکاری با حزب کمونیست و پشتیبانی از دهقانان و کارگران را در عمل به کار می بستند و ارگانهای اتحاد انقلابی کمونیستها، جناح چپ گومیندان و انقلابیون دیگر را تشکیل می دادند.
- 20- این اندرز که از «منسیوس» گرفته شده، به این معنی است که یک استاد کمانگیر هنگامی که به تعلیم فن خود می پردازد، فقط کمان را می کشد بدون آنکه تیر را رها کند با وجود این که او چنین احساسی ایجاد می نماید که می خواهد تیر را در همان لحظه پرتاب کند. مولف این اندرز را مورد استفاده قرار می دهد برای این که به کمونیستها نشان دهد که باید دهقانان را طوری هدایت کنند که آنها به طور کافی به آگاهی سیاسی دست یابند. معهدا کمونیستها باید در انتظار بمانند که دهقانان خودشان با این کار خویش عقاید خرافی و عادات و رسوم زیانبخش دیگر خود را بدور اندازند و نه اینکه به آنان امر و نهی کنند و یا خود به جای آنها به انجام آن بپردازند.
- 21- تان شن جی ژنرالی بود که در زمان لشگرکشی به شمال در صفوف انقلاب می جنگید. به کای سین ژنرال دارو دسته دیکتاتورهای نظامی شمال بود که علیه انقلاب مبارزه می کرد.

- 22 – سون چووان فان دیکتاتور نظامی بود که بر پنج استان جیان سو ، جه جیان ، فو جیان ، جیان سی و آن هوی حکمرانی می‌کرد . او در سرکوب قیامهای کارگران شانگهای مانند دژخیم واقعی عمل می‌کرد . طی زمستان 1926 نیروهای عمده او توسط ارتش لشگرکشی به شمال در نان چان و جیو جیان واقع در استان جیان سی مغلوب شدند .
- 23 – دکترین تمدن شرق تئوری ارتجاعی است که هواداران آن به حفظ روش کهنه تولید کشاورزی و فرهنگ فنودالی شرقی اکتفا می‌کردند و دانش و تمدن معاصر را طرد می نمودند .
- 24 – دن واحد وزن چین بود . طبق سیستم قدیمی اوزان ، هر دن تقریباً مساوی 60 کیلو گرم بود . ولی در مناطق مختلف چین یکی نبود ، در بعضی جاها یک دن از 60 کیلو گرم تجاوز می‌کرد ، بنابر سیستم جدید کنونی ، هر دن مساوی است با 50 کیلو گرم . - مترجم
- 25 – مراجعه شود به « تحلیل طبقات جامعه چین» ، یادداشت 16 ، جلد 1 آثار منتخب.
- 26 – "کوه" ، "معبد" ، "عود" و "رودخانه" کلماتی بود برای نامگذاری بعضی از فرقه ها که جزو انجمن های مخفی اولیه بودند .
- 27 – چی و جان واحد طول چین است . هر جان با 10 چی و هر چی با ده تسون مساوی می‌باشد . هر سه چی مساوی یک متر است . - مترجم
- 28 – دو واحد حجم چین است که هر دو مساوی 10 لیتر می باشد . - مترجم
- 29 – وقتیکه در نوامبر 1926 نان چان توسط ارتش لشگر کشی به شمال اشغال گردید ، چانکایشک از موقعیت استفاده کرد و ستاد فرماندهی کل خود را در آنجا برپا نمود . او جناح راست گومیندان و برخی سیاستمداران دارودسته دیکتاتورهای نظامی شمال را به‌دور خود جمع آورد و با همکاری امپریالیستها توطئه ضد انقلابی علیه اوهان را که در آن موقع مرکز انقلاب بود ، تدارک دید . چانکایشک بالاخره در 12 آوریل 1927 در شانگهای کودتای ضد انقلاب خود را که کشتار مردم را در پی داشت ، انجام داد .
- 30 – یکی از روسای جناح راست گومیندان و یکی از مشاورین چانکایشک .
- 31 – سرکرده "انجمن چپ" گروه مهم ضد کمونیستی این دوره در حونان .
- 32 – منظور از داستانی بود از کتاب «سین سیو» به قلم لیو سیان که در سلسله حان می‌زیسته ، محتوی این داستان از این قرار است ؛ استاد "یه" بنام زی گائو به اژدها علاقه وافر داشت و از این جهت تمام ابزارها ، اسلحه ، مجسمه ها و نقاشی هائی که قصر او را زینت می بخشیدند ، همه شکل اژدها داشتند . اژدهائی واقعی بر این امر وقوف یافت و به دیدنش آمد و از پنجره نگاهی به درون انداخت و دم خود را از در نمایان ساخت . استاد "یه" که اژدها را دید از وحشت قالب تهی کرد و رنگش پرید و پا به فرار گذاشت . این نشان می‌دهد که استاد "یه" به هیچوجه اژدها را دوست نمی داشت بلکه تنها چیزهائی دوست می داشت که با اژدها شباهتی دارند . رفیق مائو تسه دون از این استعاره استفاده می کند برای نشان دادن این امر که چانکایشک و شرکای او ، با اینکه پیوسته از انقلاب دم می‌زنند ، در واقع از انقلاب می‌ترسند و علیه آن مبارزه می‌کنند .